Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 14, No. 1, 2025
Research Paper

An Evaluation of Mohammad Reza Safavi's Translation of Qur'anic Moral Verses based on Chesterman's Relation Norm

Fatemeh Varmazyadi[1], Ahmad Omidali[2*], Hamid Varmazyari[3], Ibrahim Anari Bozchallouei[4]

PhD Student of Arabic Language and Literature, Arak University, Arak, Iran
Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Arak University, Arak, Iran
Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Arak University, Arak, Iran
Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Arak University, Arak, Iran

Abstract

Many Qur'anic verses describe moral virtues and vices. Considering the importance of ethics in human growth and perfection, these verses, in the form of moral messages, are highly applicable. Therefore, it is important to use content-oriented and interpretive translations to convey the messages of these verses more accurately. Mohammad Reza Safavi's translation is an example of such translations. In this research, the quality of Safavi's translation of moral verses was analyzed using a descriptive-analytical method and based on Andrew Chesterman's relation norm. Chesterman considers studies of translation as a norm-based scientific field. He introduced the notion of 'relation norm' as part of his norm theory to express the relationship between the source language and the target language, and described it by proposing strategies at three syntactic, semantic, and pragmatic levels. The results of this study show that in the translation of moral verses and at the syntactic level, Safavi has used literal, transposition, unit shift, and loan translation strategies more frequently. At the semantic level, hyponymy has been employed more often, and at the pragmatic level, he has used the strategies of explicitation and information change to explain the implicit aspects of the verses. By using syntactic, semantic, and pragmatic strategies, he has taken into account the morphological, syntactic, semantic, and interpretive points of the verses according to the standard Persian language, and the relation norm. Thus, his translation of moral verses enjoys a very high quality.

Keywords: translation of moral verses, Mohammad Reza Safavi, relation norms, translation strategies, Chesterman.

2821-0735 © The Author (s). Published by University of Isfahan
This is an open access article under the CC- BY 4.0 License (Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License).

https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.139547.1918

پژوهش‌های زبانشناختی قرآن
سال چهاردهم، شماره اول، شماره پیاپی (۲۷) بهار و تابستان ۱۴۰۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴
صص: ۱۲۸– ۱۰۵

مقاله پژوهشی

نقد ترجمهٔ محمدرضا صفوی از آیات اخلاقی قرآن بر اساس هنجار رابطه‌ای چسترمن

فاطمه ورمزیادی[۱]، احمد امیدعلی[۲*]، حمید ورمزیاری[۳]، ابراهیم اناری بزچلویی[٤]
۱– دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک، اراک، ایران
fvarmazyari99@gmail.com
۲– استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک، اراک، ایران
a-omidali@araku.ac.ir
۳– استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران
h-varmazyari@araku.ac.ir
٤– دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اراک، اراک، ایران
i-anari@arak.ac.ir

چکیده

شمار آیات اخلاقی که فضائل و رذائل اخلاقی را بیان می‌کنند، در قرآن کریم بسیار است. با توجه به اهمیت اخلاق در رشد و کمال انسان، این آیات در قالب پیام‌های اخلاقی بیشترین کاربرد را دارند؛ از این رو، لازم است از ترجمه‌های محتوایی و تفسیری همراه این آیات استفاده شود تا پیام اخلاقی آیات دقیق‌تر منتقل شود. ترجمهٔ صفوی نمونه‌ای از ترجمهٔ محتوایی و تفسیری است که می‌توان آن را همراه این آیات به کار برد. در این پژوهش، کیفیت ترجمهٔ صفوی از آیات اخلاقی به روش توصیفی - تحلیلی بر اساس نظریهٔ هنجار رابطه‌ای آندرو چسترمن نقد و بررسی شد. چسترمن مطالعات ترجمه را علمی هنجارگرا به معنای توصیفی کلمه میداند. او برای بیان ارتباط میان زبان مبدأ و مقصد از هنجار رابطه‌ای بهره برده است و با طرح راهبردهایی در سه سطح نحوی، معنایی و منظورشناختی آن را شرح داده است؛ در نتیجه، صفوی در ترجمهٔ آیات اخلاقی در سطح نحوی بیشتر از راهبردهای تحت‌اللفظی، تغییر مقولهٔ دستوری، تبدیل واحد و وام‌گیری، در سطح معنایی بیشتر از راهبرد هم‌شمولی و در سطح منظورشناختی برای توضیح آیات و بیان جمله‌های محذوف و مقدّر از راهبردهای تغییر میزان صراحت و تغییر اطلاعات استفاده کرده است. او به واسطهٔ کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و منظورشناختی، نکات صرفی، نحوی، معنایی و تفسیری آیات را مطابق زبان معیار فارسی ترجمه و هنجار رابطه‌ای را لحاظ کرده است؛ از این رو، ترجمهٔ او از آیات اخلاقی کیفیت بسیار خوبی دارد.

واژگان کلیدی: ترجمهٔ آیات اخلاقی، محمد‌رضا صفوی، هنجار رابطه‌ای، راهبردهای ترجمه، چسترمن.

---

*نویسنده مسئول

۱- طرح مسأله

قرآن کریم به عنوان معجزهٔ جاوید پیامبر اسلام (ص) و اصلی‌ترین منبع وحی در کنار «احادیث» و «سنّت» برای درک احکام دین اسلام منبعی مهم است و افرادی که به زبان عربی آگاه نیستند، برای درک و فهم محتوا و معانی متعالی قرآن لازم است به ترجمه‌ای دقیق و جامع دسترسی داشته باشند.

در دورهٔ حاضر، مترجمان معاصر قرآن کریم را به زبان روز ترجمه می‌کنند تا به نیاز جامعهٔ دینی خویش پاسخ دهند و در ابلاغ حقایق قرآن وگسترش هرچه بیشتر آیین اسلام سهیم باشند؛ از این رو، نقد و بررسی ترجمه‌های قرآن بر اساس نقد و نظرهای مختلف ضروری است تا ترجمه‌ها از زوایای مختلف نقد شوند و مترجمان با مراجعه به نقدهای موجود، خطاهای موجود در ترجمهٔ خود را به کمترین حد ممکن برسانند و ترجمه‌ای مطلوب و مناسب از قرآن کریم ذت ارائه دهند. ترجمهٔ قرآن در عصر حاضر به شیوه‌هایی مختلف نقد و بررسی شده است. یکی از این شیوه‌ها کاربرد نظریه‌های ترجمهٔ معاصر در نقد ترجمهٔ قرآن است تا علاوه بر نقد ترجمه‌های موجود، شیوه‌های علمی ترجمه نیز بیان شوند و در نهایت، این کتاب مقدس با دقت و ظرافت تمام که شایستهٔ آن است به زبان‌های زندهٔ دنیا ترجمه شود.

یکی از نظریه‌های جدید که زیرشاخهٔ مطالعه‌های محض ترجمه است مطالعه‌های توصیفی ترجمه است که بیان می‌کند هدف از مطالعهٔ ترجمه پایه‌گذاری قواعد، هنجارها و دستورالعمل‌هایی برای عمل یا نقد ترجمه یا ارائهٔ ابزار آموزشی برای آموزش مترجمان نیست. هدف اصلی مطالعه‌های توصیفی ترجمه عبارت است از توصیف پدیدهٔ ترجمه و ترجمه کردن چنانکه ما در دنیای واقعی تجربه می‌کنیم. به عبارت دیگر، در مطالعه‌های توصیفی، ترجمه‌ها همان‌طور که در دنیای واقعی نمود یافته‌اند بررسی می‌شوند و روی ابعاد قابل مشاهدهٔ آن‌ها تمرکز می‌شود؛ به همین دلیل است که مطالعات ترجمهرا جزء علوم تجربی به حساب می‌آورند (Hermans, 1999, p. 7).

یکی از مباحثی که در مطالعه‌های توصیفی بررسی شده است موضوع هنجار در ترجمه است. گیدئون توری[1] از نظریه‌پردازان نقش گرا است که برای اولین بار بحث از هنجارها در ترجمه را در سال ۱۹۷۸م در مقالهٔ «ماهیت و نقش هنجارها در مطالعات ترجمه » وارد حوزهٔ مطالعات ترجمهکرد. او معتقد است در هر جامعه ارزش‌ها و عقایدی دال بر درست یا غلط بودن رفتارهای مختلف وجود دارند که نشان می‌دهند در جامعه هنجارهایی مشخص وجود دارند. مترجم باید با این هنجارها آشنا و آن‌ها را در حین کار مدنظر داشته باشد تا بتواند ترجمه‌ای قابل قبول را ارائه دهد (Toury, 1978/2000, pp. 53-55). آندرو چسترمن[2] یکی دیگر از نظریه‌پردازانی است که مطالعات ترجمهرا علمی هنجارگرا به معنای توصیفی کلمه می‌داند و با تبعیت از نظریه‌های توری هنجارها را بررسی می‌کند. او از استعارهٔ «meme»[3] در ترجمه استفاده می‌کند. این کلمه از جامعه‌شناسی گرفته شده و به معنای ایده‌هایی است که گسترش می‌یابند و خود را، همانند ژن‌ها، تکثیر می‌کنند. اگر یک «meme» در اثر تکرار و تکثیر غالب شود و «meme» رقیب را از صحنه به در کند، به هنجار تبدیل خواهد شد (Chesterman, 2016, p. 51).

چسترمن هنجارها را در قالب هنجارهای انتظار یا محصول و هنجارهای حرفه‌ای یا فرآیند دسته‌بندی می‌کند. به نظر او، هنجار انتظار یا محصول از سنت غالب ترجمه، ایدئولوژی حاکم و ملاحظه‌های اقتصادی و عرف نوشتار در زبان مقصد نشئت می‌گیرد و هنجارهای فرآیند را در سه دسته، هنجار مسئولیت‌پذیری، ارتباطی و رابطه‌ای (زبانی)، تقسیم می‌کند و برای رسیدن و یافتن هنجار غالب و همچنین، حل مشکلات موجود در ترجمه در قسمت هنجار رابطه‌ای، راهبردهایی را در سه سطح نحوی، معنایی و منظورشناختی ارائه می‌دهد (ماندی،

۱۳۹۷ش، صص۲٤٤-۲٤۲). بر اساس این نظریه، ترجمه را می‌توان از ابعاد مختلف نقد و بررسی کرد. در این پژوهش، سعی شده است تا هنجار رابطه‌ای بررسی شود که مترجم به واسطهٔ کاربرد راهبردها در ترجمه ایجاد کرده است.

در این پژوهش، از میان ترجمه‌هایی متنوع و بسیار که از قرآن انجام شده است، ترجمهٔ محمدرضا صفوی برای نقد و بررسی در نظر گرفته شده است؛ زیرا این ترجمه ترجمه‌ای دوبُعدی است؛ از یک سو، دقت مترجم در انتقال معنای الفاظ با در نظر گرفتن ریشه، هیئت، جایگاه آنها در کلام و سایر نکات صرفی و نحوی و بلاغی، ویژگی مبدأگرایی را به ترجمه می‌دهد و از سوی دیگر، استفاده از تفسیر برای ترجمه و افزودن عبارت‌های بسیار که حجم ترجمه را تقریباً دو برابر متن اصلی کرده است، آن را به سمت ترجمهٔ مقصدگرا سوق می‌دهد (هاشمی، ۱۳۹۸ش، ص۲). با توجه به این موضوع، ترجمهٔ صفوی برای کاربرد همراه آیات اخلاقی مناسب است؛ زیرا ترجمه‌ای محتوایی و تفسیری است.

اخلاق از مهم‌ترین مباحث قرآنی است؛ زیرا از اهداف مهم بعثت فرستادگان خداوند در طول تاریخ زندگی بشر اخلاق و مباحث مربوط به آن و به تبع آن تزکیه و تربیت انسان است. از سوی دیگر، اخلاق به عنوان یکی از سه پایهٔ اساسی معارف دینی در کنار عقاید و احکام مطرح است و شیوهٔ صحیح زندگی را به انسان‌ها می‌آموزد و سیر و حرکات آنان را به سوی کمال مطلق تنظیم می‌کند؛ بنابراین، در آیات بسیار به موضوع اخلاق اشاره شده است و کتاب‌های مختلف اخلاق در قرآن را بررسی کرده‌اند، از جمله کتاب *موسوعهٔ اخلاق القرآن* نوشتهٔ احمد شرباصی در شش جلد؛ در این کتاب آیات اخلاقی همراه شرح آنها جمع‌آوری شده‌اند.

به دلیل کاربرد آیات اخلاقی در زمینه‌های گوناگون، ترجمهٔ آنها باید تا حد امکان استوار و دقیق و قوی باشد تا مخاطبان عام و خاص به‌آسانی با ترجمه ارتباط برقرار کنند و پیام اخلاقی آیه را درک کنند؛ بنابراین، برای نقد ترجمهٔ آیات اخلاقی، چارچوب نظری منسجم و هدفمندی لازم است تا میزان کیفیت ترجمهٔ آنها به طور دقیق قابل توصیف باشد. در این پژوهش، بر اساس دسته‌بندی کتاب *موسوعهٔ أخلاق القرآن*، از میان آیات فراون اخلاقی، دو موضوع امانت‌داری و تقوا انتخاب شده‌اند تا راهبردهای نحوی، معنایی و منظورشناختی ترجمهٔ آنها بر اساس نظریهٔ هنجار رابطه‌ای چسترمن تحلیل و بررسی شوند؛ زیرا هدف پژوهش این است که میزان ارتباط ترجمهٔ آیات با خود آیه‌ها و با زبان معیار مقصد بیان شود.

چسترمن راهبردهایی را در سه سطح نحوی، معنایی و منظورشناختی برای ایجاد هنجار رابطه‌ای در ترجمه بیان می‌کند. او در سطح نحوی، راهبردهای وام گیری، تغییر ساختار جمله‌واره، تبدیل واحد و ... ، در سطح معنایی، راهبردهای تضاد، شمول معنایی، تغییر توزیع و ... و در سطح منظورشناختی، راهبردهای تغییر میزان صراحت، تغییر اطلاعات، تغییر بینافردی و ... را مطرح کرده است.

زمانی که راهبردهای به‌کاررفته توسط مترجم از یک سو، با زبان معیار مقصد منطبق و از سوی دیگر، به متن مبدأ پایبند باشند، می‌توان گفت هنجار رابطه‌ای در ترجمه ایجاد شده است.

پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. صفوی در ترجمهٔ آیات اخلاقی برای ایجاد هنجار رابطه‌ای چه راهبردهای نحوی، معنایی، منظورشناختی را به کار برده است؟ و طبق آنها کیفیت ترجمهٔ صفوی چگونه است؟

۲. پرکاربردترین راهبردهایی که صفوی برای ایجاد هنجار رابطه‌ای به کار برده است، کدام‌اند؟

روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است که در آن، هنجار رابطه‌ای به‌کاررفته در ترجمهٔ صفوی از آیات اخلاقی، بنا بر نظریهٔ چسترمن، از طریق بررسی راهبردهای ترجمه در سه سطح نحوی، معنایی و

منظورشناختی مقایسه و تحلیل شد. برای این منظور، شش آیهٔ اخلاقی با موضوع امانت و تقوا بر اساس محتوای ترجمه‌شان انتخاب شدند؛ زیرا ترجمهٔ برخی از آیات تحت‌اللفظی است و راهبردی در آن‌ها به کار نرفته است. پس از گزینش آیات، ذیل هر آیه ترجمهٔ مربوط نوشته شد و بر اساس راهبردهای ارائه‌شده، ترجمهٔ آیات با متن اصلی مقایسه شد تا مشخص شود مترجم از چه راهبردهایی برای ترجمهٔ آیات بهره برده است. پس از پایان بررسی‌ها، پرکاربردترین راهبردها برای ایجاد هنجار رابطه‌ای در ترجمهٔ آیات جمع‌بندی شدند.

۲- پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ نقد ترجمهٔ صفوی بر اساس نظریه‌های نقد ترجمه، فقط پایان‌نامهٔ اصغرپور (۱۳۹۷ش) با عنوان «نقد بلاغی و ادبی ترجمه (مطالعهٔ موردی: سورهٔ فاطر ترجمهٔ محمدرضا صفوی بر اساس نظریهٔ یوجین نایدا)» است که در آن، نویسنده بر اساس نظریهٔ نایدا، مؤلفه‌های نشانه‌شناسی، معناشناسی و زبان‌شناسی ترجمهٔ صفوی از سورهٔ فاطر را نقد و بررسی کرده است.

پژوهش‌های انجام‌شده بر اساس نظریهٔ هنجارهای چسترمن انگشت‌شمار هستند و فقط دو پژوهش ترجمه‌های قرآن را بررسی کرده‌اند: ۱) پایان‌نامهٔ رضایی (۱۳۹۸ش) با عنوان «بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم برای نوجوانان در چارچوب نظریهٔ هدفمندی: موردپژوهی جزء سی». نویسنده در این پژوهش چهار ترجمه از قرآن کریم که برای نوجوانان نوشته شده‌اند را بر اساس سه سطح نحوی، معنایی و منظورشناختی چسترمن (۲۰۱٦م) بررسی کرده است. در هر چهار ترجمه، سطح منظورشناختی و سپس، معنایی بیشترین کاربرد را داشته‌اند. محور این پژوهش شناسایی راهبردهای گوناگون در سطوح مختلف و بیان آماری کاربرد راهبردها توسط هر مترجم در ترجمهٔ قرآن کریم برای نوجوانان و مقایسهٔ آن‌ها با یکدیگر بر اساس هدف ترجمه است؛ بنابراین، تحلیلی از کیفیت و چگونگی کاربرد راهبردها بر اساس هنجار رابطه‌ای انجام نشده است.

۲) پایان‌نامهٔ ایزدپناه (۱۳۹۵ش) با عنوان «تحلیل راهبردهای مورد استفاده در ترجمهٔ اسم‌های خاص قرآنی بر اساس مدل چسترمن (۲۰۱٦م)». در این پژوهش، ترجمه‌های شش مترجم که قرآن را از عربی به انگلیسی ترجمه کردند، به منظور بیان مشکلات و راهکارهای ترجمهٔ اسم‌ها و اسامی خاص در قرآن کریم بر اساس مدل‌چسترمن (۲۰۱٦م) مقایسه و مطالعه شدند.

با توجه به پیشینهٔ پژوهش، ترجمهٔ صفوی از آیات اخلاقی بر اساس نظریهٔ هنجار رابطه‌ای چسترمن نقد و بررسی نشده است و با توجه به اینکه نظریهٔ چسترمن از نظریه‌های معاصر و جامع در نقد ترجمه است، پژوهش حاضر در نظر دارد تا ترجمهٔ محمدرضا صفوی از آیات اخلاقی را در چاچوب هنجارهای چسترمن بررسی کند.

۳- چارچوب نظری

چسترمن در کتاب خود با عنوان *ژن‌های فرهنگی: گسترش اندیشه‌ها در مطالعات ترجمه*[٤]، از نظریهٔ گیدئون توری دو هنجار آغازین و عملیاتی را وام می‌گیرد. هنجارهای فرآیند برگرفته از هنجارهای عملیاتی گیدئون توری هستند که عملیات ترجمه را تنظیم می‌کنند. او این هنجارها را به سه هنجار تقسیم می‌کند:

۱- هنجار مسئولیت‌پذیری: به مسئولیت‌پذیری مترجم در قبال ترجمه‌اش اشاره دارد؛ از این رو، هنجاری اخلاقی است که مترجم را به رعایت امانت و دقت در ترجمه ملزم می‌کند.

۲- هنجار ارتباطی: به این معنا است که مترجم راه ارتباط و رساندن «پیام» به خوانندگان را بشناسد؛ بنابراین، هنجاری اجتماعی است که مترجم را به انجام وظیفهٔ اجتماعی که همان ارتباط با مخاطب است، ملزم می‌کند.

۳- هنجار رابطه‌ای: به معنای حفظ ارتباط میان متن

مبدأ و متن مقصد است؛ از این رو، هنجاری زبانی است. در این هنجار، چسترمن رابطهٔ تعادلی صرف را رد می‌کند و معتقد است مترجم با توجه به نوع متن و خواسته‌های سفارش‌دهنده، مقاصد نویسندهٔ اصلی و نیازهای خوانندگان احتمالی در آینده را برای ایجاد رابطهٔ صحیح میان هر دو متن در نظر بگیرد.

هنجارهای یادشده از هنجارهای توری گسترده‌تر و کامل‌تر هستند؛ زیرا چسترمن عملیات ترجمه و کارهای مترجم را به طور کامل توصیف کرده است (ماندی، ۱۳۹۷ش، ص۲٤٤؛ عنانی، ۲۰۰۳م، ص۲۳۸).

چسترمن برای ایجاد هنجار رابطه‌ای یا زبانی در ترجمه «راهبرد» ارائه می‌دهد تا به وسیلهٔ این راهبردها، هنجار رابطه‌ای میان متن مبدأ و مقصد به‌خوبی شکل گیرد. او راهبرد را این‌گونه تعریف می‌کند: «راهبردِ ترجمه فرآیندی آگاهانه است، یعنی مشکلی را که فرد زمان ترجمهٔ بخشی از یک متن از زبانی به زبان دیگر دچار می‌شود را حل می‌کند» (Chesterman, 2016, p. 11).

به نظر چسترمن، مترجمان برای پیروی از هنجارها راهبردها را به کار می‌برند تا به ترجمهٔ مطلوب و مناسب دست یابند. کار اصلی راهبردها توصیف انواع رفتارهای زبانی و به ویژه رفتارهای متنی زبانی است. این راهبردها نوعی روش دست‌کاری متن هستند که می‌توان با مقایسهٔ متن مبدأ و مقصد آن‌ها را یافت. نقطهٔ آغاز هر راهبرد مشکلی است که در ترجمه وجود دارد و راهبرد راه‌حلی برای این مشکل است تا مترجم بتواند به وسیلهٔ آن، رابطهٔ مدنظر میان متن مبدأ و متن مقصد را ایجاد کند (Chesterman, 2016, pp. 88-89).

چسترمن راهبردهایی را در سطوح نحوی، معنایی و منظورشناختی مطرح می‌کند و معتقد است این گروه‌ها ممکن است با یکدیگر همپوشانی داشته باشند:

۱. راهبردهای نحوی: یعنی تغییر صوری یا تغییر قالب متن که شامل ترجمهٔ تحت‌اللفظی، وام‌گیری، تغییر مقولهٔ دستوری کلمات، تغییر ساختار جمله‌واره، تغییر انسجام و تغییر در ویژگی‌های بلاغی متن می‌شود (Ibid, p. 94).

۲. راهبردهای معنایی: یعنی تغییرات معنایی واژگان و جمله‌واره‌ها و عبارت‌ند از: هم‌معنایی، تضاد، شمول معنایی، افعال معکوس، تغییر تجرید، تغییر توزیع، تغییر تأکید، دگرگویی، تغییر مجاز و دیگر تغییرات معنایی (Ibid, p. 101).

۳. راهبردهای منظورشناختی: یعنی انتخاب اطلاعات در متن مقصد که تحت تأثیر آگاهی مترجم از میزان اطلاعات خوانندهٔ احتمالی ترجمه قرار دارد. این راهبردها به تغییر پیام منجر می‌شوند. در این راهبرد، مترجم با در نظر گرفتن مخاطب و هدف ترجمه، راهبرد خود را انتخاب‌می‌کند؛ راهبردهایی مانند اعمال فیلتر فرهنگی، تغییر میزان صراحت، تغییر اطلاعات، تغییر بینافردی، تغییر در عمل گفتاری جمله، تغییر انسجام متن، ترجمهٔ ناقص، پیدایی مترجم در ترجمه، تصحیح متن مبدأ و دیگر تغییرات منظورشناختی در این گروه قرار دارند (Ibid, p. 107).

هر یک از سطوح مختلف یادشده راهبردهایی را برای مترجم ارائه می‌دهد تا به وسیلهٔ آن‌ها مشکلات موجود در ترجمه را حل کند. در ادامه، نمونه‌هایی از آیات اخلاقی با ترجمهٔ صفوی بر اساس راهبردهای چسترمن بررسی شده‌اند تا توانایی این مترجم در کاربرد این راهبردها و نحوهٔ ایجاد هنجار رابطه‌ای میان متن مبدأ و مقصد بیان شود.

٤- نقد ترجمهٔ برخی از آیات اخلاقی

از میان آیات اخلاقی فراوان، دو موضوع امانت و تقوا به عنوان نمونهٔ آیات اخلاقی گزینش شده‌اند و ذیل هر موضوع، ترجمهٔ سه آیه از نظر راهبردهای نحوی، معنایی و منظورشناختی نقد و بررسی شده‌اند.

٤-۱- ادای امانت

در کتاب *موسوعة اخلاق القرآن*، ذیل عنوان امانت، سه آیۀ ۷۲ سورۀ احزاب، ۵۸ سورۀ نساء و ۲۸۳ سورۀ بقره بیان شده‌اند (شرباصی، ۱٤۰۷ق، صص۱۸-۱۵). در ادامه، هر یک از آیه‌های بالا همراه ترجمۀ صفوی بیان شده و بر اساس راهبردهای چسترمن نقد و بررسی شده است.

٤-۱-۱- ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۖ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (احزاب: ۷۲).

ترجمۀ صفوی: به‌راستی ما امانت خود را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، ولی آن‌ها سرباز زدند و از اینکه آن بار سنگین را برگیرند، امتناع کردند و از آن هراسناک شدند، اما انسان آن را بر عهده گرفت، چرا که او ستمکار و نادان بود.

٤-۱-۱-۱- سطح نحوی

راهبرد تحت‌اللفظی[5]: ترجمه‌ای است که از نظر ظاهری بسیار شبیه متن مبدأ است و به طور پیش‌فرض در بیشتر ترجمه‌ها اعمال می‌شود و فقط در شرایط ویژه ممکن است تغییر کند (Chesterman, 2016, p. 94). واژه‌هایی که زیر آن‌ها در متن ترجمۀ آیات خط کشیده نشده است جزء ترجمۀ تحت‌اللفظی هستند. در این آیه، ۱۲ واژه تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند.

راهبرد وام‌گیری[6]: بنا بر نظر چسترمن، این راهبرد هم به وام‌گیری تک‌تک مقوله‌ها و هم به وام‌گیری نحوی مربوط می‌شود که سبب می‌شود یک تغییر عمدی در متن ایجاد شود. وینه و داربلنه[7] نیز از وام‌گیری به عنوان راهبردهای ترجمه نام برده‌اند (Chesterman, 2016, p. 94). وام‌گیری وارد شدن مستقیم واژگان از زبان مبدأ به زبان مقصد بدون تغییر در لفظ و معنا است. زمانی که مترجم با واژه‌ای روبه‌رو می‌شود که معادل آن با همان مفهوم در زبان مقصد وجود ندارد یا معادلی نزدیک دارد اما به خاطر حفظ بافت دینی و فرهنگی و تاریخی آن را عیناً به کار می‌برد، از راهبرد وام‌گیری بهره برده است. (احمدی و بابایی، ۱٤۰۱ش، ص۲۲۳). صفوی در این آیه واژۀ «الْأَمَانَةَ» را با استفاده از راهبرد وام‌گیری به واژۀ «امانت» ترجمه کرده است تا بافت دینی آن را حفظ کند.

««عَرض» مصدر عربی به معنای ارائه کردن، نشان دادن و نمایاندن و... است» (دهخدا، ۱۳۹۰ش–۱۳۸۵ش، ج۲، ص۱۹۷٦). صفوی به وسیلۀ راهبرد وام‌گیری معادل فعل «عَرَضْنَا» را «عرضه کردیم» قرار داده است. «معنای عرضه کردن این است که ما یک‌یک موجودات را با آن سنجیدیم و قیاس کردیم، هیچ یک استعداد پذیرفتن آن را نداشتند، به‌جز انسان» (طباطبایی، بی‌تا، ج۱٦، ص۵۲۷). با توجه به معنایی فراگیر که «عرضه کردیم» نسبت به معادل‌های فارسی آن دارد، صفوی در ترجمۀ آن از راهبرد وام‌گیری بهره برده است.

علاوه بر صفوی، مترجمانی مانند فولادوند و خرمشاهی دو واژۀ «الْأَمَانَةَ» و «عَرَضْنَا» را با کاربرد راهبرد وام‌گیری ترجمه کرده‌اند تا هنجار رابطه‌ای و ارتباط میان زبان مبدأ و مقصد در ترجمۀ این دو واژه به‌درستی شکل گیرد؛ زیرا با کاربرد معادل فارسی دو واژه بافت دینی و معنایی واژه‌ها در ترجمه منتقل نمی‌شد.

راهبرد تبدیل واحد[8]: چسترمن این راهبرد را از کتفورد[9] وام گرفته است؛ به این ترتیب که یک واحد در متن مبدأ به واحدی متفاوت در متن مقصد تبدیل می‌شود. واحدهای زبانی عبارت‌اند از: تک‌واژ، کلمه، گروه، جمله‌واره و جمله (Chesterman, 2016, p. 96).

صفوی واژۀ «الْأَمَانَةَ» را به گروه اضافی «امانت خود» تبدیل کرده است (بصیریان، ۱۳۹۰ش، ص۱۲۸)؛ به نظر، دلیل این تبدیل تقریر و تأکیدی است که در واژۀ امانت وجود دارد (الدرویش، بی‌تا، ج۸، ص۵۷). خرمشاهی نیز این واژه را به گروه اضافی «امانت خویش» تبدیل کرده

است؛ با این تفاوت که واژهٔ اضافه‌شده را درون علامت نگارشی قرار داده است.

راهبرد تغییر مقولهٔ دستوری[۱۰]: در این راهبرد، یک مقولهٔ دستوری به مقولهٔ دستوری متفاوتی تغییر می‌کند. برای مثال، اسم در متن مبدأ به فعل در متن مقصد تغییر می‌کند (Chesterman, 2016, p. 96).

واژهٔ «أن يَحْمِلْنَهَا» مصدر موؤل در نقش مفعول‌به فعل «أَبَيْنَ» است (الدرویش، بی‌تا، ج۸، ص۵۷) صفوی در ترجمه این گروه اسمی را به گروه فعلی «آن بار سنگین را برگیرند» تبدیل کرده است. تبدیل مصدر موؤل در زبان عربی به فعل در زبان فارسی از راه‌های روان‌سازی ترجمه است (ناظمیان و خورشا، ۱۳۹۸ش، ص۲۵٤)؛ اما مترجمانی مانند فولادوند و خرمشاهی مصدر مؤول «أن يَحْمِلْنَ» را به صورت مصدری (برداشتن/پذیرفتن) ترجمه کرده‌اند و آن را به فعل تبدیل نکرده‌اند؛ زیرا بدون تبدیل آن جمله ساده و روان است و نیازی به تبدیل مصدر به فعل نیست. با توجه به این امر، تبدیل مصدر مؤول به فعل زمانی ضروری است که بدون تبدیل، جمله قابل درک نباشد.

راهبرد تغییر ساختار گروه[۱۱]: این راهبرد شامل تغییراتی در سطح گروه می‌شود که یکی از این تغییرات تغییر در تعریف و تنکیر گروه اسمی است (Chesterman, 2016, p. 97). در این آیه، دو واژهٔ «ظَلُومًا جَهُولًا» دو خبر نکره برای فعل ناقص «كَانَ» هستند (الدرویش، بی‌تا، ج۸، ص۵۷). معنای تنکیر مسند گاهی عدم حصر و عهد است (التفتازانی، بی‌تا، ص۱۷۳). با توجه به مفهوم آیه، معنای نکره در این واژگان عدم حصر و عهد است؛ زیرا «انسان‌هایی که عهده‌دار امانت شده‌اند و از آن مراقبت کرده‌اند شامل این اوصاف نمی‌شوند و فقط انسان‌هایی که بدعهدی کنند مصداق «ظَلُومًا جَهُولًا» هستند» (الزمخشری، بی‌تا، ج۳، ص۵٦٥). با توجه به اهمیت معنای نکره در این دو واژه، صفوی معنای آن‌ها را به معرفه (ستمکار و نادان) تبدیل کرده است و در ساختارگروه آن‌ها و به تبع آن در معنایشان تغییر ایجاد کرده است؛ در حالی که فولادوند با معادل «ستمگری نادان» و خرمشاهی با معادل «ستمکاری نادان» سعی در انتقال مفهوم نکرهٔ واژگان داشته‌اند.

۲-۱-۱-٤- سطح معنایی

راهبرد هم‌معنایی[۱۲]: مترجم به وسیلهٔ این راهبرد یک کلمهٔ مترادف را انتخاب می‌کند تا از تکرار کلمه در ترجمه جلوگیری کند (Chesterman, 2016, p. 99).

مشتقات فعل «حَمَل/يحملُ» در آیه دو مرتبه به شکل‌های «أن يَحْمِلْنَهَا» و «وَحَمَلَهَا الْإِنسَانُ» به کار رفته است؛ فاعل «أن يَحْمِلْنَهَا» آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها است و فاعل فعل دوم «وَحَمَلَهَا الْإِنسَانُ» اسم ظاهر «الْإِنسَانُ» است. واژهٔ «حمل» در قرآن مفهوم کلی و عام دارد (المصطفوی، ۱۳۹۳ش، ج۲، ص۳۳۳) و معنای «حمل» آن است که انسان چیزی را بردارد (چه برسر، یا بردوش، یا پشت یا در شکم) و نیز فرقی در حمل نیست که مادی باشد یا معنوی، مانند گناه، حامل هم گاهی انسان است و گاهی غیرانسان» (ربانی، ۱۳۹۲ش، ص۱۹۷). با توجه به این توضیح، هر دو فعل با وجود فاعل‌های متفاوت یک معنا و مفهوم دارند و آن حمل کردن امانت است. صفوی می‌توانست هر دو فعل را به دلیل مشابهت مفهومی با معادلی یکسان ترجمه کند؛ اما او با استفاده از راهبرد معنایی معادل «أن يَحْمِلْنَ» را «برگیرند» و معادل فعل دوم «وَحَمَلَ»را «بر عهده گرفت» ترجمه کرده است تا از تکرار فعل در ترجمه پرهیز کند؛ در صورتی که دلیل تکرار فعل در آیه این است که یک کار و عمل یکسان از دو فاعل متفاوت خواسته شده است؛ بنابراین، به نظر بهتر بود مترجم هر دو فعل را در این آیه با یک معادل یکسان ترجمه می‌کرد تا مخاطب یکسانی کار خواسته‌شده را درک کند. از میان مترجمان، فولادوند و خرمشاهی به این

موضوع توجه کرده‌اند و معادل‌های «برداشتن/برداشت» و «پذیرفتن/پذیرفت» را برای این دو واژه به کار برده‌اند.

راهبرد هم‌شمولی[۱۳]: به نظر چسترمن، این نوع تغییر در ترجمه بسیار رایج است. برای مثال، مترجم از واژهٔ معناشمول به‌جای واژهٔ فراگیر یا برعکس استفاده می‌کند یا یک معناشمول را به‌جای یک معناشمول دیگر به کار می‌برد (Chesterman, 2016, p. 98).

فعل «أشْفَقْنَ مِنْهَا» بنا بر سیاق آیه عبارت است از: «فإشفاقُ السّماواتِ و الأرضِ و الجبالِ لیسَ بمعنی الخوفُ و الوحشةُ بَل بمعنی القُصورُ و الضَّعفُ و الرَّخوةُ و الرِّقَّةُ الذاتیّةُ» (المصطفوی، ۱۳۹۳ش، ج٦، ص١٠٦)؛ یعنی «إشفاق» در آیه به معنای ترس و وحشت آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها نیست، بلکه ناتوانی و عجز و سستی ذاتی آن‌ها سبب شده است تا آن‌ها از پذیرش امانت سر باز زنند. با توجه به توضیح، «أشْفَقْنَ مِنْهَا» معنای مجازی دارد و مجاز از ناتوان شدن و عاجز شدن است. صفوی در ترجمه معادل لغوی آن یعنی «هراسناک شدند» را استفاده کرده است که غرض اصلی آیه را به مخاطب منتقل نمی‌کند. دیگر مترجمان نیز این واژه را بر اساس لغت ترجمه کرده‌اند. به نظر، برای انتقال غرض اصلی آیه مناسب است معنای مجازی مانند «از آن ناتوان شدند، از آن عاجز شدند» استفاده شود.

تغییر مجاز[۱٤]: یعنی تغییر تشبیه، استعاره و کنایه و ... در ترجمه (Chesterman, 2016, p. 100). ضمیر «ها» در «أن یَحْمِلْنَهَا» به «الْأَمَانَةَ» ارجاع می‌دهد (الدرویش، بی‌تا، ج۸، ص۵۷) و «حمل الأمانة» در «أن یَحْمِلْنَهَا» یعنی امانت مانند بار بر دوش صاحبش است تا زمانی که ادا شود (الزمخشری، بی‌تا، ج۳، ص٥٦٤)؛ از این رو، استعارهٔ مکنیه در آیه وجود دارد؛ به این ترتیب که «الْأَمَانَةَ» مشبه و «أن یَحْمِلْنَ» از لوازم مشبه‌به و «بار» مشبه‌به محذوف است. صفوی با استفاده از راهبرد تغییر مجاز، ضمیر «ها» در «أن یَحْمِلْنَهَا» را به «آن بار سنگین» ترجمه کرده است و با این کار، مشبه‌به را در ترجمه بیان کرده است و استعارهٔ موجود را به تشبیه مبدل کرده است تا ترجمه برای همهٔ خوانندگان قابل درک باشد. فولادوند و خرمشاهی بدون تغییر در استعاره، آیه را ترجمه کرده‌اند و درک و دریافت مشبه‌به را به عهدهٔ خواننده نهاده‌اند.

راهبرد تغییر تأکید[۱۵]: یعنی به هر دلیلی، مترجم تأکید در جمله را کاهش، افزایش یا تغییر دهد (Chesterman, 2016, p. 99). آیه با جملهٔ «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ» آغاز شده است که بیانگر هیبت و بزرگی مقام امانت است (الدرویش، بی‌تا، ج۸، ص۵۷). «إنّ» در آغاز کلام فقط پیش‌درآمدی برای آن است و حالت تأکید ندارد (آذرنوش، ۱۳۷۵ش، ج۱، ص٤٤)؛ اما صفوی به وسیلهٔ راهبرد تغییر تأکید، معادل کلمهٔ «إِنَّا» را «به‌راستی» قرار داده است تا از این طریق عظمت امانت را در ترجمه منتقل کند.

۳-۱-۱-٤- سطح منظورشناختی

راهبردهای منظورشناختی به انتخاب اطلاعات در متن مقصد مربوط می‌شوند. این راهبردها بیشتر از دو راهبرد دیگر باعث تغییر متن مبدأ و تغییر پیام می‌شوند (Chesterman, 2016, p. 105).

راهبرد تغییر میزان صراحت[۱٦]: این راهبرد صراحت پیام را تغییر می‌دهد و مترجم به وسیلهٔ آن متن را بیشتر توضیح می‌دهد تا برای خواننده قابل درک باشد (Chesterman, 2016, p. 107). «ضرورت دارد کلمات، عبارات و جملات محذوفی که توسط مترجم به ترجمه افزوده می‌شوند در نشانه‌های نگارشی قلاب [] یا قلاب‌هلال [()] استفاده شوند» (قلی‌زاده، ۱۳۸۰ش، ص٢٦٤) صفوی گروه فعلی «أَبَيْنَ» در جملهٔ «فَأَبَيْنَ أن يَحْمِلْنَهَا» را ابتدا با جملهٔ «ولی آنها سرباززدند» ترجمه کرده است و سپس، فعل «امتناع کردند» را بدون کاربرد علامت نگارشی در پایان ترجمه بیان کرده است تا معنای فعل «أَبَيْنَ» را برای مخاطب توضیح دهد؛ اما اگر چینش ترجمه تغییر داده شود، «ولی آن‌ها از اینکه آن بار سنگین

را برگیرند، سر باز زدند»، دیگر نیازی به تکرار مجدد فعل نیست و خواننده بدون تکرارِ آن، معنا را درک می‌کند.

راهبردهای صفوی در ترجمهٔ آیهٔ ۷۲ سورهٔ احزاب در جدول‌های زیر بیان شده‌اند:

جدول ۱. راهبردهای نحوی آیهٔ ۷۲ سورهٔ احزاب

راهبردهای نحوی	تحت‌اللفظی	وام‌گیری	تغییر مقولهٔ دستوری	تغییر ساختار گروه	تبدیل واحد
ترجمهٔ آیهٔ ۷۲ سورهٔ احزاب	۱۲	۲	۱	۱	۱
کیفیت کاربرد	بسیار خوب	بسیار خوب	ضعیف	ضعیف	بسیار خوب

جدول ۲. راهبردهای معنایی آیهٔ ۷۲ سورهٔ احزاب

راهبردهای معنایی	هم‌شمولی	هم‌معنایی	تغییر مجاز	تغییرتأکید
ترجمهٔ آیهٔ ۷۲ سورهٔ احزاب	۱	۱	۱	۱
کیفیت کاربرد	خوب	ضعیف	بسیار خوب	بسیار خوب

جدول ۳. راهبردهای منظورشناختی آیهٔ ۷۲ سورهٔ احزاب

راهبرد منظورشناختی	تغییر میزان صراحت
ترجمهٔ آیهٔ ۷۲ سورهٔ احزاب	۱
کیفیت کاربرد	ضعیف

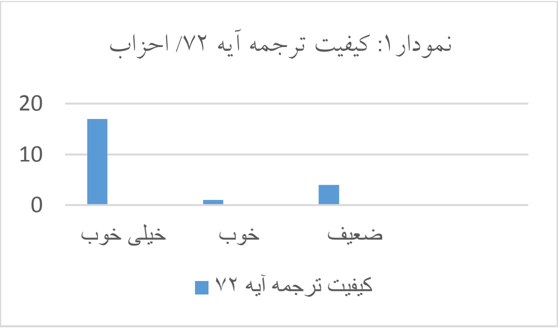

با توجه به نمودار ۱، کیفیت ترجمهٔ صفوی از آیهٔ ۷۲ سورهٔ احزاب بر اساس هنجار رابطه‌ای متوسط است.

٤-١-٢- (إنّ اللهَ یـامرُکُم أن تُـؤدُّوا الامانـاتِ الـی أهلِها) (نساء: ۵۸)

ترجمهٔ صفوی: خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید.

١-٢-١-٤- سطح نحوی

راهبرد ترجمهٔ تحت‌اللفظی: در ترجمهٔ «الله» و «یامر» از راهبرد ترجمهٔ تحت‌اللفظی استفاده شده است.

راهبرد تغییر مقولهٔ دستوری: صفوی از این راهبرد در ترجمهٔ کلمات زیر بهره برده است:

- صفوی ضمیر مفعولی «کُم» در فعل «یَأمرُکُم» را به صورت متمم «به شما» ترجمه کرده است تا ترجمه با ترتیب ساختار زبان فارسی مناسب و به دور از ابهام باشد. در زبان فارسی، بعضی از فعل‌ها علاوه بر نهاد به متمم نیاز دارند. این‌گونه فعل‌ها حرف اضافهٔ مخصوص خود را دارند. برای مثال، بعضی از فعل‌ها با حرف اضافهٔ «به» متمم اجباری می‌گیرند، یعنی اگر متمم بیان نشود، معنای جمله کامل نیست (بصیریان،۱۳۹۰ش، صص ۹۷، ۱٦٦)؛ از این رو، صفوی در این آیه با تغییر نقش دستوری مفعول «کُم» به نقش متمم «به شما»، ترجمه را با دستور زبان مقصد متناسب کرده است.

فعل «أمَرَ» همراه مفعول متصل مانند «أمرتُه» زمانی به کار برده می‌شود که کسی را مکلف به انجام کاری کنند (راغب اصفهانی، ۱۳۷٤ش، ج ۱، ص ۲۰۰)؛ در این صورت، دیگر نیازی به مقولهٔ دستوری در ترجمه نیست و می‌توان فعل جمله را این‌گونه ترجمه کرد: «خدا شما را مکلف می‌کند».

- «أن تُؤدُوا» مصدر موؤل و نقش مفعول‌به «یـأمُرُ» را دارد؛ البته، جایز است که مجرور به «بـاء» محذوف «بـأن تؤدوا» متعلق به فعل «یأمر» نیز باشد (الصافی، ١٤١٨ق،

ج۵، ص٦٨). ایــن مصــدر مـؤول در ترجمــه از حالـت مصدری و اسمی خارج شده و بـه فعـل «رد کنیـد» تغییـر کرده است؛ زیرا یکی از راه‌های روان‌سازی ترجمه تبـدیل ساختار اسمی «مصدر» به ساختار فعلی اسـت (ناظمیان و خورشا، ۱۳۹۸ش، صص۲٥٤-۲٥٥). بـا توجـه بـه بافت جمله، تغییر مصدر مؤول در این آیه به فعل مناسب است و سـبب راون‌سـازی جملـه مـی‌شـود و صـفوی تغییـری مناسب را انجام داده است. خرمشاهی و فولادونـد نیـز در این آیه مصدر مؤول را به فعل‌های «بازگردانیـد/رد کنیـد» تغییر داده‌اند؛ زیرا بدون تغییر آن، جمله روان و قابل درک نیست.

راهبرد وام‌گیری: «الفاظی بسیار در قرآن آمده‌انـد کـه در زبـان فارسـی امـروزه معمـول و متـداول هسـتند». (کریمـی‌نیـا، ۱۳۸۹ش، ص۳۳٦). واژۀ امانـت نیـز از ایـن دسته واژگان است و در زبـان فارسـی متـداول و معمـول است. در این آیه نیز ترجمۀ «الامانات» به «امانت‌هـا» وام-گیری از زبان مبدأ است و از آنجا که «کلماتی که از عربی به فارسی وارد شده‌اند بهتر است بـا فارسـی جمـع بسته شـــوند» (فقیهـــی، ۱۳٤۹ش، ص۲۱)، صـــفوی آن را بـــه صورت «امانت‌هـا» ترجمـه کـرده اسـت. خرمشاهی نیـز همانند صفوی معادل «امانت‌ها» را در ترجمه به کار برده - است؛ ولی فولادوند معادل «سپرده‌ها» را برای آن برگزیده است که با توجه به بافت دینی واژه، وام‌گیـری در ترجمـۀ آن مناسب‌تر است.

راهبرد تغییر ساختار گروه: صفوی ضمیر «هـا» را بـا وجود اینکه مفرد است و طبق قواعد نحوی به اسم جمـع «الامانات» ارجاع می‌دهـد، در قالـب جمـع ترجمـه کـرده است؛ بنابراین، با تغییر شمار ضمیر از مفرد بـه جمـع، از راهبـــرد تغییـــر ســـاختار گـــروه اســـتفاده کـــرده اســـت (Chesterman, 2016, p. 94) تا ترجمه مطـابق دسـتور زبان فارسی و برای خواننده ملموس باشد.

۲-۲-۱-٤- سطح معنایی

راهبرد هم‌شـمولی: صـفوی در ترجمـۀ واژۀ فراگیـر «أهل» از واژۀ معناشمول «صاحبان» استفاده کرده است. بنا بر استعمال قرآن مجید و بیان اهل لغت، «أهل» در صورتی که میان یک عده افراد پیونـدی جـامع باشـد، ماننـد پـدر، شهر، کتاب، علم و غیره، به کار می‌رود؛ البتـه، بایـد میـان جامع و آن افراد أُنس و الفتی باشد؛ در این صورت، کلمـۀ «أهل» به آن جامع اضافه مـی‌شـود، ماننـد «أهـل الکتـاب» (قرشی، ۱۳۷۲ش، ج۱، ص۱۳٦). با این اوصـاف، «أهـل» در زبان عربی معنایی فراگیر نسبت بـه معنـای «صـاحبان» دارد؛ زیرا انس و الفتی که در «أهل الأمانات» موجود است در کلمۀ «صاحبان امانت‌ها» وجود ندارد؛ بنـابراین، انتقـال معنای دقیق واژۀ فراگیر در زبان عربی به زبـان فارسـی بـا وجود به‌کارگیری راهبرد هم‌شـمولی تـا حـدودی مشـکل است.

راهبرد تغییر تأکید: همان‌طور که اشاره شـد، «إنّ» در زبان عربی پیش‌درآمدی بر کلام اسـت و تأکیـد نـدارد؛ از این رو، صفوی آن را در جملۀ «إنّ اللهَ یَامرُکُم ... » ترجمه نکرده است. مترجمـانی همچـون فولادونـد و خرمشـاهی همانند صفوی «إنّ» را ترجمه نکرده‌اند و از تأکیـد جملـه کاسته‌اند؛ اما انصاریان به تأکید و حصر موجـود در جملـۀ اسمیۀ «انّ اللهَ یَامرُکُم ... » توجـه کـرده اسـت (التفتـازانی، بی‌تا، ص٦۳) و واژۀ «قاطعانـه» را در ترجمـه بیـان کـرده است. بهتر بـود صـفوی نیـز هماننـد انصـاریان واژه‌هـای تأکیدی مانند «حتماً، قطعاً و ... » را در ترجمه بیان می‌کرد تا معنای تأکیدی و انحصاری جملـۀ یادشـده را بـه زبـان فارسی منتقل کند و هنجار رابطه‌ای در ترجمه لحاظ شود.

راهبردهای صفوی در ترجمۀ آیـۀ ٥۸ سـورۀ نسـاء در جدول‌های زیر بیان شده‌اند:

جدول ٤. راهبردهای نحوی آیهٔ ۵۸ سورهٔ نساء

راهبردهای نحوی	تحت‌اللفظی	تغییر مقولهٔ دستوری	وام‌-گیری	تغییر ساختار گروه
ترجمهٔ آیهٔ ۵۸ سورهٔ نساء	۲	۲	۱	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب

جدول ۵. راهبردهای معنایی آیهٔ ۵۸ سورهٔ نساء

راهبردهای معنایی	هم‌شمولی	تغییر تأکید
ترجمهٔ آیهٔ ۵۸ سورهٔ نساء	۱	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	ضعیف

جدول ٦. راهبرد منظورشناختی آیهٔ ۵۸ سورهٔ نساء

راهبرد منظورشناختی	ندارد

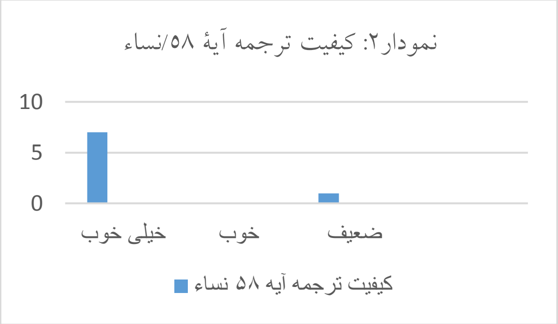

با توجه به نمودار ۲، کیفیت ترجمهٔ صفوی از آیهٔ ۵۸ سورهٔ نساء در کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و نحوی و به تبع آن، ایجاد هنجار رابطه‌ای بسیار خوب است.

٤-۱-۳- (فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ) (بقره: ۲۸۳)

ترجمهٔ صفوی: و اگر یکی از شما دیگری را امین دانست [و به وسیلهٔ قرض یا نسیه به شما بدهکار شد، نوشتن قرارداد و گرفتن شاهد ضروری نیست]، پس آن کسی که امین دانسته شده است باید بدهکاری خود را که در مورد آن او را امین دانسته‌اند، بپردازد و از حساب و کیفر خدا که پروردگار اوست پروا کند.

٤-۱-۳-۱- سطح نحوی

راهبرد ترجمهٔ تحت‌اللفظی: واژه‌های «إِنْ أَمِنَ، فَ لْيُؤَدِّ، الَّذِي، لْ، يَتَّقِ، اللّه» تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند.

راهبرد گرته‌برداری[17]: «گرته‌برداری عبارت است از ترجمهٔ اجزاء یا کلماتی که یک ترکیب یا اصطلاح یا حتی جمله‌ای را در زبان بیگانه تشکیل می‌دهند» (آذرنوش، ۱۳۷۵ش، ص٤٥). صفوی در ترجمهٔ عبارت «بَعْضُكُم بَعْضًا» (یکی از شما دیگری را)، از راهبرد گرته‌برداری بهره برده است. عبارت «بَعْضُكُم بَعْضًا» در زبان عربی اصطلاحی ویژه به شمار می‌رود و مفهوم «یکدیگر/همدیگر» را در زبان عربی می‌رساند و ترجمهٔ لفظ به لفظ آن در زبان فارسی یا هر زبانی دیگر نادرست است (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹ش، ص۱۱٦). در این آیه، فعل «أوتمن» فعل مجهول از باب إفتعال«اِئْتَمَنَ [ء م ن]» همراه فعل ثلاثی مجرد «أَمِنَ» بیان شده است؛ از این رو، فعل «أوتمن» در معنای مطاوعه به کار رفته است و اثر فعل ثلاثی مجرد «أمن» را پذیرفته است و این فعل میان دو نفر مشترک است (ذهنی تهرانی، ۱۳٦۳ش، صص۱۵٤-۱۵۵). صفوی با توجه به این موضوع صرفی، عبارت «بَعْضُكُم بَعْضًا» (یکی از شما دیگری را) بر اساس راهبرد گرته-برداری ترجمه کرده است تا وجود یک فعل و اشتراک آن را میان دو نفر بیان کند؛ بنابراین، صفوی در ترجمهٔ این عبارت، ارتباط متن مبدأ و مقصد را در نظر گرفته است تا هنجار رابطه‌ای به طور صحیح شکل گیرد.

راهبرد تغییر مقولهٔ دستوری: «اللّه» در آیه نقش مفعول‌به دارد (الصافی، ۱٤۱۸ق، ج۳، ص۹۳). صفوی در ترجمهٔ آن را به گروه متممی «از حساب و کیفر خدا» تغییر داده است؛ زیرا فعل «پروا کند» در زبان فارسی به حرف اضافهٔ «از» نیاز دارد.

راهبرد تبدیل واحد: «فاء فصیحه» در عبارت «فَإِنْ

أَمِـنَ بَعْضُـکُم بَعْضًـا» (الصـافی، ۱٤۱۸ق، ج۳، ص۹۳؛ الدرویش، بی‌تا، ج۱، ص٤۳٦) همان فاء عاطفه است؛ با این تفاوت که بر جملهٔ معطوف وارد می‌شود و بیانگر این است که جملهٔ معطوف‌علیه حذف شده است؛ بنابراین، ما در ترجمهٔ این «فاء» «نخست باید جملهٔ محذوف را افصاح و بیان کنیم و سپس، جنبهٔ عطف آن را در نظر بگیریم و برای ترجمهٔ آن به فارسی از حرف «واو» استفاده کنیم. اگر این «فاء» توسط مترجم مستقیماً عاطفه ترجمه شود و اشاره‌ای به جملهٔ محذوف نشود، در ترجمه اشتباه رخ می‌دهد» (متقی‌زاده و احمدی، ۱۳۹۵ش، صص۱۹۲-۱۹۳).

صفوی در این آیه، علاوه بر اینکه «فاء» را با حرف عاطفهٔ «واو» ترجمه کرده است، جملهٔ معطوف‌علیه محذوف «[و به وسیلهٔ قرض یا نسیه به شما بدهکار شد، نوشتن قرارداد و گرفتن شاهد ضروری نیست]» را در پرانتز بیان کرده است که در مجموع این امر باعث شده است تا صفوی برای ترجمهٔ آن از راهبرد تبدیل واحد استفاده کند، یعنی «حرف» در ترجمه به یک «جمله» تبدیل شده است. خرمشاهی نیز این «فاء» را به جملهٔ کوتاه «و گرویی نگرفت» تبدیل کرده است که در مقایسه با جملهٔ طولانی صفوی مناسب‌تر است؛ زیرا از اطناب متن جلوگیری می‌کند.

صفوی واژهٔ «رَبَّهُ» که در آیه نقش بدل دارد (الدرویش، بی‌تا، ج۱، ص٤۳٦) را به جملهٔ «که پروردگار او است» تبدیل کرده است (بصیریان، ۱۳۹۰ش، ص۳۱). فولادوند نیز با تبدیل واحد این واژه را به جملهٔ «که پروردگار او است» ترجمه کرده است؛ اما خرمشاهی آن را تحت‌اللفظی، «پروردگارش»؛ ترجمه کرده است. تبدیلی که صفوی و فولادوند انجام داده‌اند، به نظر، برای روانی و درک متن مناسب‌تر است.

٤-۱-۳-۲- سطح معنایی

راهبرد هم‌شمولی: صفوی در آیهٔ ۵۸ سورهٔ نساء، «أَمانات» را همان «امانت‌ها» ترجمه کرد؛ اما در این آیه «أمانت» را بر اساس تفسیر آیه و آیهٔ قبل «بدهکاری» ترجمه کرده است. منظور از امانت در این آیه دین و بدهی است که بدون رهن و گرو گرفته می‌شود (المصطفوی، ۱۳۹۳ش، ج۱، ص۱٦۵)؛ از این رو، واژهٔ معناشمول «بدهکاری» را به‌جای واژهٔ فراگیر «أمانت» به کار برده است؛ دلیل این امر توجه مترجم به سیاق و بافت آیه است که مطابق آن ترجمهٔ واژهٔ «أمانت» تغییر کرده است. فولادوند و خرمشاهی معادل این واژه را «سپرده و امانت» قرار داده‌اند و خرمشاهی برای اشاره به تفاوت این «امانت» با «امانت» در آیه‌های دیگر، کلمهٔ «دین» را همراه آن به کار برده است. با توجه به این موضوع، معادلی که صفوی برای این واژه برگزیده است مناسب‌تر از معادل دو مترجم دیگر است؛ زیرا سبب ایجاد هنجار رابطه‌ای میان متن مبدأ و مقصد شده است و او معادل اصلی واژه را به‌درستی انتخاب کرده است.

٤-۱-۳-۳- سطح منظورشناختی

راهبرد تغییر میزان صراحت: صفوی جمله «فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ» را با دو ترجمهٔ متفاوت از فعل «اوتمن» برای خواننده توضیح می‌دهد. صفوی می‌توانست فعل «اوتِمن» را یک بار ترجمه کند و عبارت (که در مورد آن او را امین دانسته‌اند) را دیگر برای توضیح بیان نکند؛ زیرا «ایجاز متن در روان‌سازی آن اثر دارد. هرچه واژه‌های یک جمله کمتر باشند، مخاطب آن را بهتر و سریع‌تر درک می‌کند و زمان کمتر را برای فهم جمله صرف می‌کند» (بدیعی و قندی، ۱۳۸۱ش، ص۱٤۸).

واژهٔ «حساب و کیفر» را صفوی برای توضیح «وَلْيَتَّقِ اللَّهَ» به ترجمه افزوده است تا صراحت متن را افزایش دهد. دو واژهٔ افزوده‌شده بدون علائم نگارشی به کار رفته‌اند.

تغییر اطلاعات[18]: این راهبرد به معنای حذف یا اضافه کردن اطلاعات به پیام است. مترجم اطلاعاتی را که

برای خواننده مهم است و نمی‌تواند آن‌ها را از متن درک کند به ترجمه می‌افزاید یا گاهاً اطلاعاتی از پیام را حذف می‌کند (Chesterman, 2016, p. 110). صفوی با اضافه کردن جملهٔ «[و به وسیلهٔ قرض یا نسیه به شما بدهکار شد، نوشتن قرارداد و گرفتن شاهد ضروری نیست]»، اطلاعاتی را که خوانندگان از ترجمه نمی‌توانند استنباط کنند بر اساس تفسیر المیزان به ترجمه افزوده است. او این جملات را درون پرانتز بیان کرده است. «قرار دادن جملات اضافه درون پرانتز خواننده را آگاه می‌کند که کدام کلمه برگردان مستقیم از متن قرآن کریم است؛ البته، نباید توضیحات اضافه‌شده قسمت‌های دیگر آیه را بی‌معنا کند و اگر تمام توضیحات را از ترجمهٔ فارسی حذف کنیم، ساختمان جمله به هم نخورد و معنای کامل داشته باشد» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹ش، ص ۲۵۲).

راهبردهای صفوی در ترجمهٔ آیهٔ ۲۸۳ سورهٔ بقره در جدول‌ها و نمودار زیر بیان شده‌اند:

جدول ۷. راهبردهای نحوی آیهٔ ۲۸۳ سورهٔ بقره

راهبردهای نحوی	تحت‌اللفظی	تغییر مقوله دستوری	گرته‌برداری	تبدیل واحد
ترجمهٔ آیهٔ ۲۸۳ سورهٔ بقره	۸	۱	۱	۲
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب

جدول ۸. راهبردهای معنایی آیهٔ ۲۸۳ سورهٔ بقره

راهبردهای معنایی	هم‌شمولی
ترجمهٔ آیهٔ ۲۸۳ سورهٔ بقره	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب

جدول ۹. راهبرد منظورشناختی آیهٔ ۲۸۳ سورهٔ بقره

راهبرد منظورشناختی	تغییر میزان صراحت	تغییر اطلاعات
ترجمهٔ آیهٔ ۲۸۳ سورهٔ بقره	۲	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب ضعیف	بسیار خوب

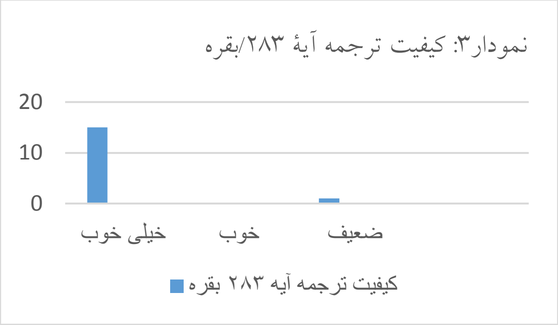

با توجه به نمودار۳، کیفیت ترجمهٔ صفوی از آیهٔ ۲۸۳ سورهٔ بقره در کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و نحوی و به تبع آن، ایجاد هنجار رابطه‌ای بسیار خوب است.

٤-۲- تقوا

شرباصی آیاتی بسیار را در کتاب خود ذیل عنوان تقوا بیان کرده است (شرباصی، ۱٤۰۷ق، ج۱، صص ۲۱۳-۲۰۲). در این پژوهش، ترجمهٔ آیات ۲۹سورهٔ انفال، ۲۰۱ سورهٔ اعراف و۱۳ سورهٔ حجرات بر اساس هنجار رابطه‌ای چسترمن نقد و بررسی شده است:

٤-۲-۱- ﴿یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّـهَ یَجْعَل لَّکُمْ فُرْقَانًا وَیُکَفِّرْ عَنکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ وَیَغْفِرْ لَکُمْ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ﴾ (انفال: ۲۹)

ترجمهٔ صفوی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا کنید، برای شما نیرویی قرار می دهد که به وسیلهٔ آن حق را از باطل تشخیص دهید، و بدی هایتان را از شما می‌زداید و گناهانتان را می‌آمرزد، و خدا دارای فضلی بزرگ است.

۱-۱-۲-٤- سطح نحوی

راهبرد ترجمهٔ تحت‌اللفظی: «یَا أَیُّهَا، الَّذِینَ، آمَنُوا، إِن، تَتَّقُوا، یَجْعَل، لَّکُمْ، عَنکُمْ، وَ، اللَّهُ، ذُو، الْعَظِیمِ» تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند.

راهبرد وام‌گیری: واژهٔ «الفضل» اسم عربی است که به

زبان فارسی وارد شده است و دارای معادل‌هایی همچون احسان، بخشش، فزونی و برتری است (دهخدا و دیگران، ۱۳۹۰ش–۱۳۸۵ش، ج۲، ص۲۱۲٦). صفوی در ترجمه این واژه را از زبان عربی وام گرفته است؛ زیرا از یک سو، در زبان فارسی کاربرد دارد و از سوی دیگر، در زبان عربی معنایی فراگیر دارد. «واژهٔ «الفضل» از اوصاف خداوند است که به بخشش زیاد او اشاره دارد و از مصادیق آن رحمت، پاداش بزرگ، عفو و گذشت و رضوان است» (المصطفوی، ۱۳۹۳ش، ج۹، ص۱۱٦).

راهبرد تغییر مقولهٔ دستوری: واژهٔ «اللّٰه» در جملهٔ «إِن تَتَّقُوا اللّٰه» نقش مفعول‌به دارد (الصافی،١٤١٨ق، ج۹، ص۲۰٦). صفوی معادل «پروا کنید» را برای فعل «تَتَّقُوا» انتخاب کرده است که این معادل در زبان فارسی به حرف اضافهٔ اجباری «از» نیاز دارد تا معنای آن کامل شود (بصیریان، ۱۳۹۰ش، صص۹۷، ۱٦٦)؛ از این رو، صفوی به وسیلهٔ راهبرد تغییر مقولهٔ دستوری واژهٔ «الله» را از نقش مفعولی به نقش متممی تغییر داده است تا جمله با زبان معیار فارسی منطبق و هنجار رابطه‌ای میان زبان مبدأ و مقصد ایجاد شود. تغییر مقولهٔ دستوری در واژهٔ «اللّٰه» موجب شده است تا تبدیل واحد نیز در ترجمه ایجاد و واژهٔ «اللّٰه» به گروه متممی «از خدا» تبدیل شود.

راهبرد تبدیل واحد: واژهٔ «فرقاناً» برای جدایی میان حق و باطل به کار می‌رود و در آیهٔ بالا به توفیق و نوری اشاره دارد که با تقوای خداوند حاصل می‌شود و به وسیلهٔ آن میان حق و باطل فرق گذاشته می‌شود و تمام آن نور و توفیق و آرامش و رحمت از واژهٔ «فرقان» فهمیده می‌شود (راغب اصفهانی، ١٣٧٤ش، ج۳، ص۵۰). این واژه در آیه نقش مفعول‌به برای فعل«یجعل» دارد (الصافی، ١٤١٨ق، ج۹، ص۲۰٦). صفوی به مفهوم واژهٔ «فرقان» توجه کرده است؛ از این رو، در ترجمه این واژه به جمله‌وارهٔ (پیرو) «نیرویی که به وسیلهٔ آن حق را از باطل تشخیص دهید» تبدیل شده است؛ زیرا به واسطهٔ حرف پیوند «که» به جملهٔ اصلی «برای شما قرار می‌دهد» وابسته شده و یک جملهٔ مرکب را تشکیل داده است (بصیریان، ۱۳۹۰ق، ص۱۷۸). این تبدیل واحد بر میزان صراحت متن در سطح منظورشناختی نیز تأثیر دارد؛ زیرا واژه را برای خواننده توضیح می‌دهد.

راهبرد تغییر ساختار گروه: تغییر در گروه اسمی، برای مثال مفرد به جمع یا برعکس یا تغییر نکره به معرفه و برعکس، سبب تغییر در ساختار درونی گروه می‌شود (Chesterman, 2016, p. 96). واژهٔ «الفضل» در آیه همراه «ال» معرفه بیان شده است و معرفه است؛ اما صفوی با اضافه کردن «ی ناشناس» به ترجمهٔ «الفضل» در ساختار گروه آن تغییر ایجاد کرده است و آن را از معرفه به نکره تبدیل کرده است. به نظر، دلیل تغییری که او اعمال کرده است این است که او «ال» در واژهٔ «الفضل» را از نوع معرفهٔ لفظی لحاظ کرده است که معنای نکره دارد و به مطلق حقیقت و فضل خداوند اشاره دارد (السامرائی، ۲۰۰۰م، ج۱، ص۱۱٦). مترجمانی مانند فولادوند و خرمشاهی از معادل «بخشش» به صورت معرفه در ترجمه استفاده کرده‌اند. با توجه به نکتهٔ معنایی در این واژه، به نظر، ترجمهٔ صفوی مناسب‌تر است.

۲-۱-۲-٤- سطح معنایی

راهبرد هم‌شمولی: صفوی معادل گروه فعلی «یُکَفِّرْ عَنکُمْ» را «از شما می‌زداید» بیان کرده است. اصل فعل «کفّر» عبارت است از: «أنَّ الأصلَ فی مادّة «کُفر» هو الرَّدّ و عدمُ الأعتناءِ بشیءٍ و مِن آثارِه: التَبرّی، المحو و التغطیهَ و کَفَّرَ اللهُ عَنه الذَنبَ: مَحاهُ» (المصطفوی، ۱۳۹۳ش، ج۱۰، ص۸۷). اصل معنای فعل بی‌اعتنایی به چیزی و رد شدن از آن است که نتیجهٔ آن بیزار شدن، زدودن و پوشاندن است و خداوند با گذشت از گناهان انسان آنها را محو و نابود می‌کند؛ بنابراین، فعل «یُکَفِّرْ» معنایی فراگیر دارد و معادل «می‌زداید» معناشمول است؛ زیرا فقط بخشی از معنای آن را منتقل کرده است.

صفوی معادل واژهٔ «سَیئاتِکُم» را معناشمول

«بدی‌هایتان» قرار داده است. «سیئة» میان خدا و بندگان او است و بنده در انجام آن قصد و عمدی نداشته است (العسکری، ١٤١٢ق، ص ٢٢١)؛ بنابراین، خداوند با انجام حسنات، سیئات را تکفیر می‌کند و می‌پوشاند (همان، ص٥٨٣)؛ اما «ذنب» عمدی است و مذمت و سرزنش به دنبال دارد و انجام‌دهندهٔ آن مستحق عقاب و عذاب است (همان، ص٥٠٣). فعل «کفّر، یکفّر» همراه «سیئة/ سیئات» و فعل «غفر، یغفر» همراه «الذنب و الذنوب» در قرآن به کار رفته است (قرشی، ١٣٧١ش، ج٥، ص ١١٠). در این آیه «سیئات» مفعول‌به فعل «یُكَفِّرْ عَنكُمْ» است؛ بنابراین، مفهومی غیر از «الذنب» دارد و معادل «گناهانتان» برای آن مناسب نیست. صفوی به این تفاوت معنایی توجه کرده و معادل آن را «بدی‌هایتان» در نظر گرفته است. فولادوند معادل این واژه را «گناهانتان» قرار داده است و خرمشاهی به وسیلهٔ راهبرد وام‌گیری معادل آن را «سیئات» بیان کرده است. با توجه به تفاوت معنایی «سیئة» و «ذنب»، معادل معناشمول «بدی‌هایتان» برای این واژه مناسب‌تر است.

٣-١-٢-٤- سطح منظورشناختی

راهبرد تغییر میزان صراحت: صفوی در ترجمهٔ جملهٔ «وَيَغْفِرْ لَكُمْ» واژهٔ «گناهانتان» را بدون استفاده از نشانهٔ نگارشی قلاب در نقش مفعول‌به به ترجمه افزوده است؛ به نظر، دلیل این امر این است که فعل «یغفر» همیشه همراه «الذَنب /الذُنوب» بیان می‌شود (قرشی، ١٣٧١ش، ج٥، ص ١١٠). اضافه کردن مفعول‌به محذوف به ترجمه ابهام جمله را برطرف و منظور فعل «یغفر» را برای خواننده روشن می‌کند. دیگر مترجمان جمله را بدون اضافه کردن مفعول‌به ترجمه کرده‌اند؛ بنابراین، صفوی با استفاده از راهبرد تغییر میزان صراحت متن ترجمهٔ آیه را برای خواننده قابل درک کرده است.

راهبردهای صفوی در ترجمهٔ آیهٔ ٢٩ سورهٔ انفال در جدول‌های زیر بیان شده‌اند:

جدول ١٠. راهبردهای نحوی آیهٔ ٢٩ سورهٔ انفال

راهبردهای نحوی	تحت‌اللفظی	تغییر مقولهٔ دستوری	تبدیل واحد	تغییر ساختارگروه	وام‌گیری
ترجمهٔ آیهٔ ٢٩ سورهٔ انفال	١٢	١	١	١	١
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب

جدول ١١. راهبردهای معنایی آیهٔ ٢٩ سورهٔ انفال

راهبردهای معنایی	هم‌شمولی
ترجمهٔ آیهٔ ٢٩ سورهٔ انفال	٢
کیفیت ترجمه	بسیار خوب

جدول ١٢. راهبرد منظورشناختی آیهٔ ٢٩ سورهٔ انفال

راهبردمنظورشناختی	تغییر میزان صراحت
ترجمهٔ آیهٔ ٢٩ سورهٔ انفال	١
کیفیت ترجمه	بسیار خوب

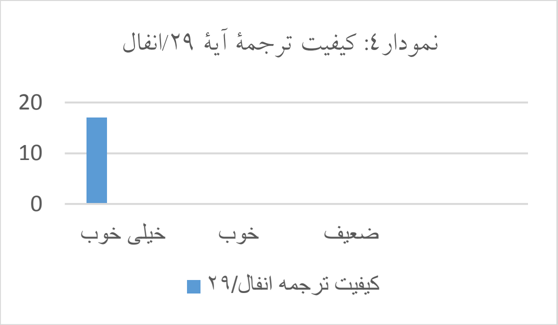

نمودار٤: کیفیت ترجمهٔ آیهٔ ۲۹/انفال

با توجه به نمودار ٤، کیفیت ترجمهٔ صفوی از آیهٔ ٢٩ سورهٔ انفال در کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و نحوی و به تبع آن، ایجاد هنجار رابطه‌ای بسیار خوب است.

٢-٢-٤- (إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ) (اعراف: ٢٠١)

ترجمهٔ صفوی: کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، هنگامی که وسوسه‌ای از شیطان به آنان می‌رسد و بر گرد قلبشان

می‌گردد تا در آن جای گیرد، خدا را به یاد می‌آورند و کار خود را به او وامی گذارند و او پردهٔ غفلت را از آنان می‌زداید و ناگهان بینا می‌شوند.

۱-۲-۲-٤- سطح نحوی

راهبرد ترجمهٔ تحت‌اللفظی: «الَّذِينَ، اتَّقَوْا، إِذَا، تَذَكَّرُوا، فَإِذَا» تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند.

راهبرد تغییر مقولهٔ دستوری: ضمیر «هُمْ» در فعل «مَسَّهُمْ» مفعول‌به است که صفوی با کاربرد راهبرد مقولهٔ دستوری آن را به گروه متممی «به آنان» تبدیل کرده است؛ زیرا معادلی که برای فعل «مَسَّ» یعنی «می‌رسد» به کار برده است در زبان فارسی همراه حرف اضافهٔ «به» استعمال می‌شود و صفوی برای تطبیق ترجمه با زبان معیار از این راهبرد بهره برده است.

راهبرد تغییر ساختار گروه: یکی از تغییراتی که مترجم اعمال می‌کند تغییر در زمان افعال در گروه‌های فعلی است (Chesterman, 2016, p. 97). «إذا» ظرف برای آینده و متضمن معنای شرط و فعل ماضی «مَسَّ» فعل شرط است (الصافی، ۱٤۱۸ق، ج۹، ص۱٦۰). هرگاه جملهٔ شرطی «إذا» همراه فعل ماضی بیان شود، یعنی آن امر به وقوع می‌پیوندد و حتمی است (السامرائی، ۲۰۰۰م، ج٤، صص۷۷-۷٦). صفوی با توجه به شرطی بودن جملهٔ «إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا»، افعال ماضی آن را به مضارع اخباری «می رسد/به یاد می‌آورند» تبدیل کرده است و ساختار گروه فعلی را تغییر داده است؛ زیرا این جملهٔ شرطی معنای مستقبل دارد؛ در این صورت، معادل آن در زبان فارسی مضارع اخباری و التزامی است (آرکادیویچ روبینچیک و شفقی، ۱۳۹۱ش، ص٦٦٥). صفوی با کاربرد این راهبرد ارتباط میان زبان مبدأ و مقصد را ایجاد کرده است.

راهبرد تغییر ساختار جمله[۱۹]: این راهبرد روی ساختار جمله تأثیر می‌گذارد و سبب تغییر جمله می‌شود (Chesterman, 2016, p. 100). جملهٔ «هُم مُّبْصِرُونَ» در آیه یک جملهٔ اسمیه است (الصافی، ۱٤۱۸ق، ج۹، ص۱٦۰)؛ اما صفوی با استفاده از راهبرد تغییر جمله آن را از حالت اسنادی خارج و به صورت گروه فعلی «بینا می‌شوند» ترجمه کرده است. واژهٔ «مُّبْصِرُونَ» اسم فاعل و جمع مذکر سالم و نکره است (سایت جامع قرآنی)؛ اما «بینا می‌شوند» معادل فعل مجهول «یُبصَرون» است. برخی از مترجمان همانند صفوی جمله را به صورت فعل مجهول «آگاه می‌شوند، بینا شوند و ... » ترجمه کرده‌اند و برخی دیگر آن را به صورت معلوم «به بصیرت درآیند، بینا می‌شوند، بصیرت می‌یابند، بینایی پیدا می‌کنند و ...» ترجمه کرده‌اند که با توجه به مفهوم صرفی جمله، حالت دوم برای ترجمه مناسب‌تر است.

۲-۲-۲-٤- سطح معنایی

راهبرد هم‌شمولی: واژهٔ «مسّ» (لمس کردن) علاوه بر دست با سنگ و چیزهای دیگر هم رخ می‌دهد؛ از این رو، در «مسّ» ارتباط بدون احساس وجود دارد. واژهٔ «مسّ» در این آیه مجاز از «أصابه» است (العسکری، ۱٤۱۲ق، ص٤٦۸). با توجه به این توضیح، صفوی در ترجمهٔ این واژه معنای مجازی آن را در نظر گرفته است و واژهٔ معناشمول «می‌رسد» را معادل آن بیان کرده است. دیگر مترجمان نیز معنای مجازی «رسد، عارضشان شود» را معادل این فعل بیان کرده‌اند.

راهبرد تغییر مجاز: واژهٔ «طَائِفٌ» در لغت به معنای ««طواف‌کننده» است و در این آیه منظور وسوسهٔ شیطان است و به خیال و جن و حادثه به طور استعاره طائف می‌گویند. وسوسهٔ شیطانی دور انسان در عالم خیال می-گردد تا اغفالش کند» (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج٤، ص۲٥۰). به عبارت دیگر، «طَائِفٌ» در آیه استعاره از وسوسهٔ شیطان است. صفوی با استفاده از راهبرد تغییر مجاز «وسوسهٔ شیطان» که مشبه است را به ترجمه اضافه کرده است تا

استعارهٔ موجود در آیه به جملهٔ بدون استعاره در ترجمه تبدیل و مفهوم آیه برای همهٔ خوانندگان قابل درک شود.

۳-۲-۲-۴- سطح منظورشناختی

راهبرد تغییر میزان صراحت: مفعول جملهٔ «تَذَكَّرُوا» در آیه محذوف است و صفوی واژهٔ محذوف «خدا را» به ترجمه افزوده است تا مفعول جمله برای خواننده صریح باشد و خواننده دچار ابهام نشود. فولادوند و خرمشاهی برای تصریح واژهٔ «خدا» را درون پرانتز به ترجمه افزوده‌اند، اما صفوی این نکتهٔ نگارشی را رعایت نکرده است.

راهبرد تغییر اطلاعات: معادل جملهٔ «إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ» جملهٔ «وسوسه‌ای از شیطان به آنان می‌رسد» است؛ اما صفوی جملهٔ «و بر گرد قلبشان می‌گردد تا در آن جای گیرد» را بر اساس تفسیر المیزان «وسوسه‌ای است که در حول قلب می چرخد تا راهی به قلب باز کرده وارد شود» (طباطبایی، بی‌تا، ج۸، ص۴۹۸) به ترجمه اضافه کرده است تا پیامی که از ترجمهٔ جملهٔ اصلی درک نشده است به وسیلهٔ اطلاعات افزوده‌شده درک شود؛ اما صفوی کلمات و جملات اضافه‌شده را در نشانهٔ نگارشی قلاب قرار نداده است تا خواننده متن اصلی را از متن اضافه‌شده تشخیص دهد.

معادل جملهٔ «تَذَكَّرُوا» جملهٔ «به یادمی‌آورند» است. صفوی با توجه به تفسیر المیزان، جملهٔ «و کار خود را به او وامی‌گذارند و او پردهٔ غفلت را از آنان می زداید» را به ترجمه اضافه کرده است تا خواننده منظور از «به یاد می آورند» را بهتر درک کند. ترجمهٔ صفوی در مقایسه با ترجمهٔ فولادوند و خرمشاهی به دلیل کاربرد اطلاعات اضافه و تفسیری برای فهم پیام آیهٔ اخلاقی مناسب‌تر است؛ اما تنها مشکل، عدم کاربرد علائم نگارشی است که باعث می‌شود متن اصلی از کلمات و جملات اضافه‌شده قابل تشخیص نباشد.

راهبردهای صفوی در ترجمهٔ آیهٔ ۲۰۱ سورهٔ اعراف به طور مختصر در جدول‌های زیر بیان شده‌اند:

جدول ۱۳. راهبردهای نحوی آیهٔ ۲۰۱ سورهٔ اعراف

راهبردهای نحوی	تحت‌اللفظی	تغییر مقولهٔ دستوری	تغییر ساختار گروه	تغییر ساختار جمله
ترجمهٔ آیهٔ ۲۰۱ سورهٔ اعراف	۵	۱	۱	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	خوب

جدول ۱۴. راهبردهای معنایی آیهٔ ۲۰۱ سورهٔ اعراف

راهبردهای معنایی	هم‌شمولی	تغییر مجاز
ترجمهٔ آیهٔ ۲۰۱ سورهٔ اعراف	۱	۱
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	بسیار خوب

جدول ۱۵. راهبردهای منظورشناختی آیهٔ ۲۰۱ سورهٔ اعراف

راهبردهای منظورشناختی	تغییر میزان صراحت	تغییر اطلاعات
ترجمهٔ آیهٔ ۲۰۱ سورهٔ اعراف	۱	۲
کیفیت ترجمه	خوب	خوب

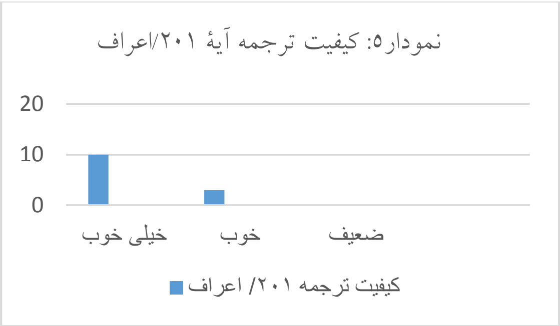

با توجه به نمودار۵، کیفیت ترجمهٔ صفوی از آیهٔ ۲۰۱ سورهٔ اعراف در کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و نحوی و به تبع آن، ایجاد هنجار رابطه‌ای بسیار خوب

است.

۳-۲-٤- (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ) (حجرات: ۱۳)

ترجمهٔ صفوی: ای مردم، ما شما را از یک مرد و یک زن (آدم و حوّا) آفریدیم؛ بنابراین هیچ تیره و قبیله‌ای در آفرینش بر دیگری برتری ندارد؛ ما شما را به صورت تیره‌های گوناگون و قبیله‌های مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید نه آنکه به نژادپرستی روی آورید و به نژاد و تیرهٔ خود افتخار کنید و هر ملّتی خود را از دیگر ملّت‌ها گرامی تر بداند؛ به یقین گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شما است. خدا است که معیار برتری انسان‌ها را معین می کند، چرا که او به حقایق امور دانا و آگاه است.

۱-۳-۲-٤- سطح نحوی

راهبرد ترجمهٔ تحت‌اللفظی: «يَا أَيُّهَا، النَّاسُ، خَلَقْنَا، كُم، مِّن، ذَكَرٍ، أُنثَى، جَعَلْنَا،كُمْ، لِتَعَارَفُوا، أَكْرَمَ، كُمْ، عِندَ، اللَّهِ، أَتْقَا، كُمْ، عَلِيمٌ، خَبِيرٌ» تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند.

راهبرد وام‌گیری: «قَبَائِلَ» جمع «قبیله» اسم جمعی است که لفظ آن مفرد ندارد (الصافی، ۱٤۱۸ق، ج۲٦، ص۲۹۲). اسم عربی است به معنای «گروه‌ها، قبیله‌ها، دودمان‌ها» (دهخدا و دیگران،۱۳۹۰ش-۱۳۸۵ش، ج۲، ص۲۱٦٤). صفوی واژهٔ «قَبَائِلَ» را با استفاده از راهبرد وام‌گیری «قبیله‌ها» ترجمه کرده است. دیگر مترجمان نیز در ترجمهٔ این واژه از راهبرد وام‌گیری بهره برده‌اند که بیانگر این است که بعضی از واژگان عربی در زبان فارسی متداول و رایج هستند و مفهوم آن‌ها برای خوانندگان قابل درک است.

-واژهٔ «أَتْقَاكُمْ» اسم تفضیل از فعل ثلاثی «وقی» است (الصافی، ۱٤۱۸ق، ج۲٦، ص۲۹۲) که در زبان فارسی نیز به صورت «مصدر تقوی یعنی پرهیزگاری کاربرد دارد» (دهخدا و دیگران، ۱۳۹۰ش-۱۳۸۵ش، ج۱، ص۷٦٦).
صفوی این واژه را به وسیلهٔ راهبرد وام‌گیری «باتقواترین» ترجمه کرده است؛ اما خرمشاهی و فولادوند معادل این واژه را «پرهیزگارترین» بیان کرده‌اند. واژهٔ تقوا در زبان عربی بافت دینی و معنای فراگیری دارد؛ از این رو، ترجمهٔ آن به وسیلهٔ راهبرد وام‌گیری مناسب‌تر است.

راهبرد تغییر مقولهٔ دستوری: فعل «لِتَعَارَفُوا» مضارع منصوب «أن تَعارَفوا» مصدر مؤول مجرور به حرف «لـ» متعلق به فعل «جَعَلْنَاكُمْ» است (الصافی، ۱٤۱۸ق، ج۲٦، ص۲۹۲). صفوی به وسیلهٔ راهبرد تغییر مقولهٔ دستوری آن را از نقش جارومجروری و اسمی به صورت گروه فعلی «تا یکدیگر را بشناسید» ترجمه کرده است. همان‌طور که بیان شد، تبدیل ساختار اسمی «مصدر» به ساختار فعلی از راه‌های روان‌سازی ترجمه است و این تبدیل سبب می‌شود تا ترجمه مطابق زبان معیار شود. دیگر مترجمان نیز این مصدر را با تبدیل به فعل ترجمه کرده‌اند.

راهبرد تبدیل واحد: صفوی واژهٔ «شُعُوبًا» را با استفاده از راهبرد تبدیل واحد و اضافه کردن صفت «گوناگون» به گروه وصفی «تیره‌های گوناگون» و واژهٔ «قَبَائِلَ» را با اضافه کردن صفت «مختلف» به گروه وصفی «قبیله‌های مختلف» تبدیل کرده است. علاوه بر صفوی، فولادوند در ترجمهٔ این دو واژه از راهبرد تبدیل واحد بهره برده است و معادل آن‌ها را «ملت‌ملت و قبیله‌قبیله» قرار داده است تا کثرت و تعدد قبیله‌ها و گونه‌ها بیان شود. کاربرد این راهبرد در سطح نحوی سبب تغییر در سطح منظورشناختی ترجمه نیز می‌شود؛ زیرا میزان صراحت متن با توصیف واژگان تغییر داده می‌شود و خواننده مفهوم تعدد و گوناگونی در خلقت خداوند را درک می‌کند.

۲-۳-۲-٤- سطح معنایی

راهبرد تغییر تأکید: همان‌طور که بیان شد، «إنّ» در

سرآغاز سخن است و معمولاً ترجمه نمی‌شود؛ اما در این آیه با توجه به ساختار جملهٔ اسمیهٔ «أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» و کاربرد دو اسم تفضیل و تکرار ضمیر «کُم» (همان) صفوی با استفاده از راهبرد تغییر تأکید «إنّ» را «به یقین» ترجمه کرده است و در جملهٔ «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» با توجه به ساختار تأکیدی جملهٔ اسمیه، «إنّ» را «چرا که» ترجمه کرده است. فولادوند و خرمشاهی نیز از راهبرد تغییر تأکید در ترجمهٔ خود بهره برده‌اند و معادل‌هایی همچون «درحقیقت، بی‌تردید، یقیناً» را برای ترجمهٔ دو «إنّ» بیان کرده‌اند.

۳-۳-۲-٤- سطح منظورشناختی

راهبرد تغییر میزان صراحت: صفوی در ترجمهٔ «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» با افزودن گروه اسمی «به حقایق امور»، دو واژهٔ «عَلِيمٌ خَبِيرٌ» را برای مخاطب توضیح داده است و به صراحت ترجمه افزوده است.

راهبرد تغییر اطلاعات: صفوی بر اساس تفسیر المیزان، اطلاعاتی را که خواننده نمی‌تواند از متن استنباط کند به ترجمهٔ این آیه افزوده است (طباطبایی، بی‌تا، ج۱۸، صص۴۸۷-۴۸۹). این اطلاعات عبارت‌اند از:

– افزودن واژه‌های «آدم و حوّا» در کنار ترجمهٔ دو واژهٔ «مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى»؛ زیرا اطلاعاتی هستند که از متن آیه قابل درک نیستند.

– افزودن جملهٔ «؛ بنابراین هیچ تیره و قبیله‌ای در آفرینش بر دیگری برتری ندارد؛» پس از ترجمهٔ جملهٔ «إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى». با وجود اینکه جملهٔ اضافه‌شده درون نشانهٔ «؛» قراردارد، سبب اطالهٔ ترجمه شده است و میان دو جملهٔ «إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ» فاصله افزایش یافته است. خواننده با ترجمهٔ دو جمله منظور آیه را درک می‌کند و افزودن اطلاعات در این جمله لزومی ندارد.

– افزودن جملهٔ «نه آنکه به نژادپرستی روی آورید و به نژاد و تیرهٔ خود افتخار کنید و هر ملّتی خود را از دیگر ملّت‌ها گرامی تر بداند» به ترجمهٔ جملهٔ «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا». علاوه بر اینکه جملهٔ اضافه‌شده در نشانهٔ نگارشی به کار نرفته است، طولانی نیز هست و برای انتقال پیام آیه فقط یک بخش از آن برای خواننده کفایت می‌کند.

–افزودن جملهٔ «خدا است که معیار برتری انسان‌ها را معین می‌کند،» به ترجمهٔ جملهٔ «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». این جمله نیز بدون علائم نگارشی افزوده شده است.دو جمله از جملات افزوده‌شده سبب طولانی شدن ترجمه و فاصله افتادن میان جملات اصلی شده‌اند؛ علاوه بر اینکه ابهام و نارسایی ایجادشده زمانی بیشتر را از مخاطب می‌گیرد و باعث خستگی او می‌شود (ناظمیان، ۱۳۹۰ش). با توجه به فراوانی جملات افزوده‌شده بدون علائم نگارشی، ترجمه برای انتقال پیام آیه تاحدودی نامناسب است. مترجم با انتخاب جملات کوتاه و مختصر هم می‌توانست اطلاعات را به ترجمه بیفزاید.

راهبردهای صفوی در ترجمهٔ آیهٔ ۱۳ سورهٔ حجرات در جدول‌های زیر به طور مختصر بیان شده‌اند:

جدول ١٦. راهبردهای نحوی آیهٔ ۱۳ سورهٔ حجرات

راهبردهای نحوی	تحت‌اللفظی	تغییر مقولهٔ - دستوری	وام‌گیری	تبدیل واحد
ترجمهٔ آیهٔ ۱۳ سورهٔ حجرات	۱۸	۱	۲	۲
کیفیت ترجمه	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب	بسیار خوب

جدول ١٧. راهبردهای معنایی آیهٔ ۱۳ سورهٔ حجرات

راهبردهای معنایی	تغییر تأکید
ترجمهٔ آیهٔ ۱۳ سورهٔ حجرات	۲
کیفیت ترجمه	بسیار خوب

جدول ۱۸. راهبردهای منظورشناختی آیهٔ ۱۳ سورهٔ حجرات

راهبردهای منظورشناختی	تغییر میزان صراحت	تغییر اطلاعات
ترجمهٔ آیهٔ ۱۳ سورهٔ حجرات	۱	٤
کیفیت ترجمه	خوب	بسیار خوب خوب ضعیف

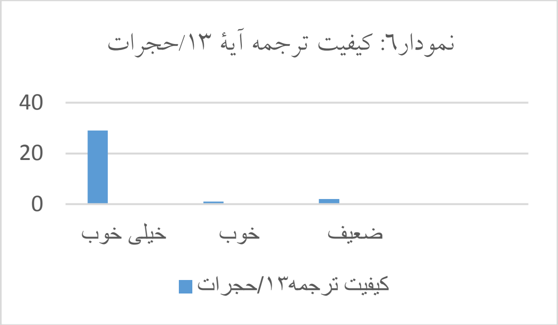

با توجه به نمودار ٦، کیفیت ترجمهٔ صفوی از آیهٔ ۱۳ سورهٔ حجرات در کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و نحوی بسیار خوب است.

۵- نتیجه‌گیری

صفوی در ترجمهٔ ٦ آیهٔ اخلاقی با موضوع امانت و تقوا، برای ایجاد هنجار رابطه‌ای در سطح نحوی راهبردهای تحت‌اللفظی، تغییر مقولهٔ دستوری، تبدیل واحد، وام‌گیری، تغییر ساختار گروه و تغییر ساختار جمله را به کاربرده است و در سطح معنایی راهبردهای هم‌شمولی، هم‌معنایی، تغییر مجاز و تغییر تأکید را استفاده کرده است و در سطح منظورشناختی راهبردهای تغییر میزان صراحت و تغییر اطلاعات را به کاربرده است. کیفیت ترجمهٔ صفوی در کاربرد راهبردهای نحوی، معنایی و منظورشناختی برای ایجاد هنجار رابطه‌ای میان زبان مبدأ و مقصد در پنج آیه بسیار خوب و در یک آیه متوسط است. او توانسته است راهبردهای یادشده را منطبق با صرف و نحو زبان مبدأ و مقصد به کار گیرد؛ یعنی از یک سو، نکات صرفی، نحوی و معنایی و تفسیری آیات را در نظر گرفته است و از سوی دیگر، معادلی را در زبان مقصد برگزیده است که با معیار زبان فارسی منطبق است. اطلاعاتی که او به ترجمهٔ آیات بر اساس تفسیر المیزان برای انتقال پیام اخلاقی افزوده است این ترجمه را مناسب کاربرد همراه آیات اخلاقی کرده است، البته ترجمهٔ او کاستی‌هایی در کاربرد علامت نگارشی قلاب برای موارد افزوده‌شده دارد.

پرکاربردترین راهبردها در ترجمهٔ ٦ آیه با موضوع تقوا و امانت، در سطح نحوی بعد از راهبرد تحت‌اللفظی، راهبردهای تغییر مقولهٔ دستوری، تبدیل واحد و وام‌گیری و در سطح معنایی راهبرد هم‌شمولی و در سطح منظورشناختی راهبرد تغییر اطلاعات هستند.

تعارض منافع

نویسندگان این پژوهش تعارض منافعی ندارند.

کتابنامه

قرآن کریم.

آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۵ش). *تاریخ ترجمه از عربی به فارسی* (جلد ۱، ترجمه‌های قرآنی). تهران، سروش.

آرکادیویچ روبینچیک، یوری. و شفقی، مریم. (۱۳۹۱ش). *دستور زبان ادبی معاصر فارسی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

احمدی، محمدنبی. و بابایی، یحیی. (۱٤۰۱ش). نقد ترجمهٔ بخش‌هایی از رمان «سیّدات القمر» با تأکید بر تکنیک‌های هفت‌گانه. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۲(۲٦)، ۲۱۷ – ۲٤٤.

اصغرپور، سیامک. (۱۳۹۷ش). *نقد بلاغی و ادبی ترجمه (مطالعهٔ موردی: سورهٔ فاطر ترجمهٔ محمدرضا صفوی بر اساس نظریهٔ یوجین نایدا)* [پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان].

التفتازانی، مسعود بن عمر. (بی‌تا). *مختصرالمعانی*. قم: دارالفکر.

الدرویش، محیی الدین. (بی‌تا). *إعراب القرآن الکریم وبیانه*. الیمامة للطباعة والنشر والتوزیع.

الزمخشری، محمود بن محمد. (بی‌تا). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل* (٤ جلد). ناشر دارالکتاب العربی.

السامرائی، الصالح. (۲۰۰۰م). *معانی النحو* (٤ جلد). عمان: دارالفکر، الطبعة الأولی.

الصافی، محمود بن عبد الرحیم. (۱٤۱۸ق). *الجدول فی إعراب القرآن الکریم* (۳۱ جلد). بیروت: مؤسسة الإیمان، الطبعة: الرابعة.

العسکری، أبوهلال. (۱٤۱۲ق). *معجم الفروق اللغویة* (الشیخ بیت الله بیات، پژوهشگر). مؤسسة النشر الإسلامی، الطبعة الأولی.

المصطفوی، حسن. (۱۳۹۳ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (١٤ جلد؛ چاپ اول). تهران: انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ایزدپناه، خدیجه. (۱۳۹۵ش). *تحلیل راهبردهای مورد استفاده در ترجمهٔ اسم‌های خاص قرآنی بر اساس مدل چسترمن (۲۰۱۶)* [پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت].

بدیعی، نعیم. و قندی، حسن. (۱۳۸۱ش). *روزنامه-نگاری نوین(چاپ سوم)*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

بصیریان، حمید. (۱۳۹۰ش). *دستور زبان فارسی* (جلد ۱). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

دهخدا، علی اکبر. شهیدی، جعفر. مهرکی، ایرج. ستوده، غلامرضا. و سلطانی، اکرم. (۱۳۹۰ش–۱۳۸۵ش) *لغت‌نامه (۲ جلد)*. تهران: مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

ذهنی تهرانی، محمد جواد. (۱۳٦۳ش). *أساس الصرف*. قم: نشر حاذق.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷٤ش). *مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن*. (۳ جلد؛ غلامرضا خسروی حسینی، مترجم و پژوهشگر). تهران: ناشر مرتضوی.

ربانی، محمد حسن (۱۳۹۲ش) *واژهٔ شناخت قرآن*. مشهد: ناشر نور معارف.

رضایی، ملیحه. (۱۳۹۸ش). *بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم برای نوجوانان در چارچوب نظریهٔ هدفمندی: موردپژوهی جزء سی»* [پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد].

سایت جامع قرآنی: https://quran.inoor.ir/

شرباصی، احمد. (۱٤۰۷ق). *موسوعة أخلاق القرآن* (٦ جلد). بیروت – لبنان: دار الرائد العربی.

صفوی، محمدرضا. (۱۳۸۸ش). *ترجمهٔ قرآن کریم*. قم: دفتر نشر معارف.

طباطبایی، محمد حسین. (بی‌تا). *ترجمه تفسیر المیزان* (٤۰ جلد). انتشارات اسماعیلیان.

عنانی، محمد. (۲۰۰۳م). *نظریة الترجمة الحدیثة مدخل الی مبحث دراسات الترجمة*. مصر: لونجمان، الطبعة الأولی.

فقیهی، علی اصغر. (۱۳٤۹ش). *دستورزبان فارسی* (۱جلد؛ چاپ دوم). قم: چاپ حکمت.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱–۱۳۷۲ش). *قاموس قرآن* (۷ جلد). تهران: دارالکتب الإسلامیة.

قلی‌زاده، حیدر. (۱۳۸۰ش). *مشکلات ساختاری ترجمهٔ قرآن کریم*. تبریز: مؤسسهٔ تحقیقاتی علوم اسلامی انسانی.

کریمی‌نیا، مرتضی. (۱۳۸۹ش). *ساخت‌های زبان فارسی و مسئلهٔ ترجمهٔ قرآن* (چاپ اول). تهران: انتشارات هرمس.

ماندی، جرمی. (۱۳۹۷ش). معرفی مطالعات ترجمه؛ نظریه‌ها و کاربردها (چاپ اول؛ علی بهرامی و زینب تاجیک، مترجمان) تهران: رهنما.

متقی‌زاده، عیسی. و احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۵ش). معنی‌شناسی ترجمهٔ «فاء» در قرآن و چالش‌های ترجمهٔ آن

به زبان فارسی با تکیه بر دستور زبان عربی (بررسی موردی ترجمه‌های الهی‌قمشه‌ای، فولادوند و خرمشاهی). *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ٦(١٤). ١٧٥-١٩٧.

ناظمیان، رضا (۱۳۹۰ش). *ترجمهٔ متون مطبوعاتی*. تهران: انتشارات سخن.

ناظمیان، رضا. و خورشا، صادق. (۱۳۹۸ش). تکنیک‌های روان‌سازی متن ترجمه در سه حوزهٔ ساختار جمله، زمان و ضمایر. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۹(۲۰(بهار و تابستان))، ۲۷۳-۲۴۷.

هاشمی، انسیه. (۱۳۹۸ش). *مطالعهٔ تطبیقی کارآمدی الگوهای گارسس و کارمن در ترجمهٔ قرآن* [رسالهٔ دکتری، دانشگاه تهران].

Chesterman, A. (2016). *Memes of translation: The spread of ideas in translation theory* (Rev. ed.). Amesterdam: John Benjamins.

Hermans, T. (1999). *Translation in systems. Descriptive and system-oriented approaches explained*. Manchester: St Jerome.

Toury, G. (1978/2000). The nature and role of norms in literary translation. In L. Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (pp. 198-211). London: Routledge.

https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.139547.1918

Bibliography

The Holy Quran

Azarnoush, Azartash. (1996). History of Translation from Arabic to Persian (Vol. 1, Quranic Translations). Tehran: Soroush.

Arkadiyevich Rubinchik, Yuri & Shafaqi, Maryam. (2012). Modern Persian Literary Grammar. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.

Ahmadi, Mohammad Nabi & Babaei, Yahya. (2023). Critical Review of Translations of Selections from the Novel "Sayidat al-Qamar" with Emphasis on Seven Techniques. Translation Studies in Arabic Language and Literature, 12(26), 217–244.

Asgarpour, Siamak. (2018). Rhetorical and Literary Critique of Translation (Case Study: Surah Fatir, Translation by Mohammadreza Safavi Based on Eugene Nida's Theory) [Master's thesis, Shahid Madani University of Azerbaijan].

Al-Taftazani, Masoud bin Omar. (n.d.). Mukhtasar al-Ma'ani. Qom: Dar al-Fikr.

Al-Darwish, Mohiuddin. (n.d.). I'rab al-Quran al-Karim and its Explanation. Al-Yamama Printing and Publishing.

Al-Zamakhshari, Mahmoud bin Mohammad. (n.d.). Al-Kashaf 'An Haqaiq Ghawamidh al-Tanzil wa Uyoun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil (4 Vols). Dar al-Kitab al-Arabi.

Al-Samarai, Al-Saleh. (2000). Meanings of Grammar (4 Vols). Amman: Dar al-Fikr, 1st ed.

Al-Safi, Mahmoud bin Abdul Rahim. (1418 AH). Al-Jadwal fi I'rab al-Quran al-Karim (31 Vols). Beirut: Al-Iman Foundation, 4th ed.

Al-Askarī, Abu Hilal. (1412 AH). Dictionary of Linguistic Differences (translated by Sheikh Beitollah Bayat, researcher). Islamic Publishing Foundation, 1st ed.

Al-Mustafa, Hassan. (2014). The Investigation of Quranic Terms (14 Vols; 1st ed.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publishing.

Izadpanah, Khadijeh. (2016). Analysis of Strategies Used in Translating Proper Names of the Quran Based on Chesterman's Model (2016) [Master's thesis, Islamic Azad University, Marvdasht Branch].

Badi'i, Na'im & Qandi, Hassan. (2002). Modern Journalism (3rd ed.). Tehran: Allameh Tabatabai University Publishing.

Basiriyan, Hamid. (2011). Persian Grammar (Vol. 1). Qom: International Center for Translation and Publishing of

Institute for Islamic Human Sciences Research.
Karimi-Nia, Morteza. (2010). Persian Syntax Structures and the Issue of Quran Translation (1st ed.). Tehran: Hermes Publishing.
Mandi, Jeremy. (2018). Introduction to Translation Studies; Theories and Applications (1st ed.; translated by Ali Bahrami and Zeinab Tajik). Tehran: Rahnama Publishing.
Motaqi-Zadeh, Issa & Ahmadi, Mohammadreza. (2016). Semantics of the Translation of "Fa" in the Quran and Its Translation Challenges into Persian, Focusing on Arabic Syntax (A Case Study of Translations by Elahi-Qomshahi, Fouladand, and Khorramshahi). Translation Studies in Arabic Language and Literature, 6(14), 175-197.
Nazemian, Reza. (2011). Translation of Newspaper Texts. Tehran: Sokhan Publishing.
Nazemian, Reza & Khorsha, Sadegh. (2019). Techniques of Text Fluency in Translation in Three Areas: Sentence Structure, Tense, and Pronouns. Translation Studies in Arabic Language and Literature, 9(20) (Spring & Summer), 247–273.
Hashemi, Ansiyeh. (2019). A Comparative Study of the Effectiveness of Gorses and Carmen Models in Quran Translation [Doctoral Dissertation, University of Tehran].
Chesterman, A. (2016). Memes of Translation: The Spread of Ideas in Translation Theory (Rev. ed.). Amsterdam: John Benjamins.
Hermans, T. (1999). Translation in Systems: Descriptive and System-Oriented Approaches Explained. Manchester: St Jerome.
Toury, G. (1978/2000). The Nature and Role of Norms in Literary Translation. In L. Venuti (Ed.), The Translation Studies Reader (pp. 198-211). London: Al-Mustafa.
Dehkhoda, Ali Akbar, Shahidi, Ja’far, Mehraki, Iraj, Stoudeh, Gholamreza, & Soltani, Akram. (2011–2006). Lughatnameh (2 Vols). Tehran: University of Tehran Press.
Zehni Tehrani, Mohammad Javad. (1984). Essence of Morphology. Qom: Hāzeq Publishing.
Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammad. (1995). Al-Mufradat fi Gharibi al-Quran with Linguistic and Literary Interpretation of the Quran. (3 Vols; translated by Gholamreza Khosravi Hosseini). Tehran: Mortazavi Publishing.
Rabbani, Mohammad Hassan. (2013). Lexical Knowledge of the Quran. Mashhad: Noor Ma’arif Publishing.
Rezaei, Maliheh. (2019). A Study of Persian Translations of the Quran for Adolescents Based on Skopos Theory: A Case Study of Part 30. [Master’s thesis, Ferdowsi University of Mashhad].
Comprehensive Quranic Website: https://quran.inoor.ir/
Sharabasi, Ahmad. (1987). Encyclopedia of Quranic Ethics (6 Vols). Beirut, Lebanon: Dar al-Ra’id al-Arabi.
Safavi, Mohammadreza. (2009). Translation of the Quran. Qom: Daftar Nashr Ma’arif.
Tabatabai, Mohammad Hussein. (n.d.). Tafseer al-Mizan Translation (40 Vols). Ismailian Publishing.
Anani, Mohammad. (2003). Modern Translation Theory: An Introduction to Translation Studies. Cairo: Longman. 1st ed.
Faghihi, Ali Asghar. (1970). Persian Grammar (1st Vol; 2nd ed.). Qom: Hikmat Press.
Qurashi, Ali Akbar. (1992–1993). Qamus al-Quran (7 Vols). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
Gholizadeh, Heydar. (2001). Structural Issues in Quran Translation. Tabriz:

Routledge.
https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.13
9547.1918

[1] Gideon Toury
[2] Andrew Chesterman
[۳] ژن فرهنگی
[4] Memes of translation: The spread of ideas in translation studies
[5] literal translation
[6] loan
[7] Vinay & Darbelnet
[8] unit shift
[9] Catford
[10] transposition
[11] phrase structure change
[12] sentence structure shift
[13] converses
[14] trop change
[15] emphasis change
[16] explicitation change
[17] calque
[18] Information chenge
[19] Sentence structure shift